

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر:
چند اصطلاح ص ۴
داستان "پتو" ص ۵

خلق مصر با تشکیل جبهه متحد خلق برای سرنگونی رژیم سادات خائن پیا خاسته است

است که تا خنک اکتبر ۱۹۷۳ رئیس ستاد ارتش مصر بود اما سادات او را به تند ریح کنار گذاشت و وی در سال ۱۹۷۸ به مخالفان علنی "سیاست درهای باز" پیوست و وی چندی پیش در مصاحبه با مجله فرانسوی آفریک-آزی گفت: "این جبهه حاصل یک سال و نیم تلاش نیروهای مبارز در مصر است و چیزی نیست جز فریاد برخورد نیروهای بی که در راه تشکیل یک سازمان واحد از مخالفان رژیم فعالیت می کنند این جبهه دربرگیرنده وسیع ترین جریا نهایی سیاسی و مخالفان رژیم سادات است جبهه ملی مصر در خارج با زتاب اتحاد اکثریت نیرو-هایی است که در داخل کشور به فعالیت مخفی مشغولند"



جبهه ملی مصر در آوریل سال جاری مسیحی در شرایطی که رژیم سادات از نظر داخلی و خارجی به انزوای هر چه بیشتر کشیده می شد، در بیروت تشکیل شد. د. بیرو اول این جبهه سعید الدین شازلی، فاتح کانال سوئز

تشکیل جبهه ملی مصر یکی از مسائل عمده مورد گفتگو در کنگره حزب اتحاد ملیون ترقیخوا بود که در ۱۰ آوریل ۱۹۸۰ در قاهره برگزار شد. حزب اتحاد ملیون ترقیخوا که اعضا آن بین ۱۶۰ هزار تا ۲۰۰ هزار تخمین زده می شود صفحه ۲

در این اواخر آنها در استراتژی خود مطرح استقرار سیستم جدید سلاحها با لستیک - هسته ای با برد متوسط را در اروپا پیش کشیده اند. این سلاح های جدید موشکهای پرشینگ (۲) و موشکهای گروز هستند آنها اجرای این طرح را نشانه علاقه مندی ایالات متحد آمریکا به تأمین امنیت در اروپا با اخترا اعلام امید آرند، در صورتی که این طرح صرفا به و خامت اوضاع در قاره اروپا و سراسر جهان خدمت می کند. در اینجا باید یاد آور شد که پرشینگ فرمانده نیروهای اعزامی آمریکا به صفحه ۷

مسائل جبهه متحد ضد امپریالیستی در هند نوشته: آ. و. مارتیشن ترجمه: جلال علوی نیا

در میان گرایشهای ایدئولوژیک سوسیالیست که پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر روسیه در جنبش آزاد بیخشی ملی هند پدید آمد، گاندیسم جای مهمی را اشغال می کند. اگر بگوییم که برای جنبش کمونیستی هند مسئله جبهه متحد کلیه نیروهای ضد امپریالیستی عمدتاً در موضعگیری آنها در قبال گاندیسم خلاصه می شد، اغراق ننگته ایم. این امر به دلیل نفوذ سیاسی فراوان و شالوده اجتماعی گسترده و نا همگن آن بود. تعیین نگرش علمی و مارکسیستی در قبال گاندیسم، کار ساد های نبود. گاندیسم زاعماق حیات ملی هند، از صفحه ۶

کمپلکس نظامی-صنعتی وسیاست خارجی ایالات متحده

وقایع سال ۱۹۸۰ به وضوح نشان داد که امپریالیسم از مسابقه تسلیحاتی و و خامت اوضاع جهان دست برنداشته و همواره با اقدامات گوناگون تجار و کارانه صلح و امنیت جهان را به خطر می اندازد.

در جهان سرمایه داری محافل با نفوذی وجود دارند که به رهبری های سیاسی و نظامی د. ویسیستم جهانی سوسیالیسم و امپریالیسم عشق میورزند. این محافل گمان نیستند آنها به محافل ها را امپریالیسم و بخصوص به انحصار نظامی - صنعتی تعلق دارند. این محافل ارتجاعی برخورد از موضع قدرت را اساس سیاست خارجی قرار داده سعی دارند با تیره نگا هدا شتن روابط بین المللی به تشدید مسابقه تسلیحاتی پیش از پیش بیفزایند.

یک تهاجم جمعی، ایدئولوژیک سوسیالیست در انتقاد از لنینیسم و کونفوسیوس برافشاد. انتقاد از کونفوسیوس، به گفته هوا کوفنگ حمله پوشید علیچون لای بود (۱). پس از مرگ چون لای موضوع "چپ روها" بطور موقت تحکیم پیدا کرد. آنها در رسوای متعده دی حتی پیش از مرگ چون لای، کوشیدند ضربات خرد کنند. مای بر مواضع جناح "پراگماتیست" (مصلحت گرا) رهبری حزب وارد کنند. نشریات مارکسیستی پس از مرگ مائوتسده و کوشش های نا فرجام مانگ - هنگ و نراد رسال ۱۹۷۴ برای تحریک مائوعلیچون لای بود نسیانینگ یاد آوری صفحه ۸

در هفته گذشته

اعزام ۸۰۰ تنگد ارد ریائی آمریکا به منطقه خلیج فارس. تعطیل عملی سفارت انگلیس با فراخواندن تعداد مهمی از کارمندان آن به انگلستان، حضور نمایندگان کشورهای جامعه اقتصاد اروپا (بلازار مشترک) و ژاپن در برابر رئیس مجلس شورای اسلامی ایران و تسلیم تقاضای (بخوان و نتیما - توم) مشترک به حجت الاسلامها شمسرفسنجانی درباره "آزادی جاسوسان" آمریکا و "پرهیز از تجاوز به قوانین بین المللی"، تقویت دولت های مخالف انقلاب ایران بویژه عراق از جانب امپریالیسم آمریکا. تحریک خائنها و برخی از سران عشایر در مناطق مختلف کشور، بگزاربهای مکرر برای ارتعاب مردم و نا امن جلوه دادن کشور، به تکاپو آمدن در اردو سته "خلق مسلمان" در آذربایجان، حملات افسارگسیخته بعشایر عراق به نقاط مرزی غرب کشور، یورش گسترده عوامل ضد انقلاب به کتاب فروشی ها برای ساختن طعمه تبلیغاتی صفحه ۸

مائوئیسم، یک تئوری کاذب در جنبش کارگری

الف. پویا ۴
سرشت تضادهای درون رهبری مائوئیستی
بحران مائوئیسم در وجود تضادهایی در درون خود رهبری مائوئیستی رخ می نماید. مائوتسده و نزدیک ترین یاران خود را تحت پیگرد و فشار قرار داد. گروه لیوشائوچی در جریان "انقلاب فرهنگی" (۱۹۶۹) و گروه لنین بیائود رسال ۱۹۷۳ تصفیه شدند. پس از مرگ مائو گروه معروف به "باند چهار نفری" دستگیر شدند. در جریان انقلاب فرهنگی پیروان لیوشائوچی رئیس جمهور خلق چین و دبیرکل حزب کمونیست چین تصفیه شدند. مائوویا را نشان زمین و آبرقدرت اتحاد شوروی راد شمن شماره یک چین می دانستند. حال آنکه لنین بیائو برعکس، در مقابل این تفسیر موضعی انتقاد داشت و ایالات متحده آمریکا راد شمن اصلی کشورمی دانست. قربانی بعدی جانشین مائو یعنی لنین پیائو بود.

در آستانه تشکیل دولت

با صد و در حکم نخست وزیر آقای محمد علی رجائی، امید است که کارانتخاب وزیران بزودی سرانجام پذیرد و هیئت دولت با ارائه یک برنامه سنجید و عملی به مجلس شورای اسلامی، آنچنان که موافق خواست های به حق تود ههای مستضعف و در راستای پیشبرد و گسترش و تحکیم دستاوردهای انقلاب باشد، مشغول به کار شود. این دولت، با برخورداری از پیشتهایی اکثریت قاطع مردم با اتکاء به تأیید امام مود رهکاری سازند ما مجلس و ریاست جمهوری باید بتواند نیروی عظیم ملت را برای غلبه بر دشواریهای ریزی ایرانی مستقل و آباد و متکی به خویش در رعد متترین زمینه های تولید صنعتی و کشاورزی بسیج کند، باید بتواند کارسازندگی کشور را که تاخیر بردار نیست سازمان دهد. پس از یک سال و نیم رهم ریختگی امور و زهمهای شیدگی قدرت، اکنون وقت کار در وحدت و انضباط انقلابی به رهبری قدرتی یگانم برخاسته از بنیان انقلاب است. و جای ظفر و متعلل، جای تعصب و انحصار طلبی، جای فشاری رستیزه های گروهی نیست. خطر در آستانه خانه ماست. تمرکز نیروی نظامی آمریکا و متحدانش در آبهای خلیج و افزایش مداوم شمار تنگداران در ریایی تهدید مستقیمی به استقلال و تمامیت ارضی ایران است. و آنچه این خطر بیرونی را تقویت می کند، سر خوردگی و رمیدگی از انقلاب است که در بخشی از مردم پریش می داند و آنان را به سرنوشت انقلاب بی تفاوت می سازد. نباید گذشت که این جریان منفی و امیدوار و این جزئیات را برنا مریزی شد و بویگیرد محیطی امن میسر نیست. همین که کارسازند در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی تود هها آغاز شود و نیروهای عاطل مانده با زو و مغز و اراد ه شان در ریا سازی کشور شرکت داده شود، شور و تلاش انقلابی بار دیگر در آنان گزخواهد گرفت، چنان که تا پای جان از انقلاب و از سرزمین خود پاسداری خواهند کرد. در آن صورت، هیچ توطئه ضد انقلابی در داخل و هیچ تجاوزی از خارج نخواهد توانست انقلاب را سرکوب و استقلال کشور را پایمال کند. صفحه ۸

۱۰۴ به آذین گواهی چشم و گوش

یکشنبه هشتم تیر
امروز فراغت هست. مهماننداران در رگیر ساندن مهمانان به فرودگاه و ترتیب کار پروازشان به کشورهای خود هستند. تاظهر کسی به سراغ نمی آید.
پس از چاشت، به باغ بزرگ اقامتگاهمان می روم. چمن سبز، با حاشیه های شمعدانی و بوته های گل سرخ. یکی در د رخت زرد آلو نیز، با میوه های نادری که لای برگها روتنهفته اند. و در وسوی خیا بانها، چنارهای بلند که بر ساریه نرم و سبک شان آفتاب گوپی گسرد زریا شید هاست. با زوان سفید در هم رفته شان، آن بالا، بانود ههای سبزروشن برگ، طاق گونه ای در رست کرده اند.
هوایی نه چند ان گرم، خاموشی مهربان. و در واد ورنسیه بی شتاب.
به طاق خود برمی گردم. چند سطر پادداشت شاخ و برگ ریخته: فشرده آنچه دیدم. موشنیدم. و این، از سالهای وحشت گذشته، عادت است در من که در فتر خود به اشاره ای - و گاه رمزی - پس کنم. و نمی دانم آیا، در چند روزی که هنوز از عمر باقی است، انگیزه ای برای ترک این عادت خواهم یافت؟ صفحه ۴

بقیه خلق مصر با تشکیل جبهه...

بعفالیست نیمه مخفی و مترادف مصر مشغول است. در اعلامیه نهایی اولین کنگره ما حزب ما نند کار با جبهه ملی مصر آمد است: "آینده مصر بعفالیست و شایستگی جنبش مخالفان در ریبی اثر ساختن سیاست اشتباه - آمیز رژیم و نیز تا مین استقلال ملی کشور، باز یابی مجدد مقام آن در جهان عرب و بهره گیری صحیح از منابع اقتصاد و کشوری استگنی در ارد." حزب اتحاد ملیون ترقیخواه و جبهه ملی مصر از نظر برنا موقوفه اری بعد ستاورد های ضد امپریالیستی در وران ناصر، نزدیکی بسیار زیاد اید ارنده در هر دو سا زمان چهار جریان عمد معینی طرفداران ناصر، مارکسیست ها، ملی گرایان و مسلمانان مترقی فعال هستند. مسلمانان مترقی بویژه از انقلاب اسلامی ایران الهام میگیرند و در راه های گذشته بعفالیست ها ای سیاسی چشم گیری دست زد هاند.

تشکیل جبهه ملی مصر و نیز جهت گیری کنگره حزب اتحاد ملیون ترقیخواه، کار پایه مشترکی برای طیف وسیعی از نیروهای مخالف رژیم بوجود آورد. و به آنان پشت گرمی سازمانی میدهد.

اعلامیه تشکیل جبهه ملی مصر

میهن پرستان مصر و ملل عرب متحد شوید!

خلق مصر، این خلق عرب و فرهنگ آفرین با تاریخ غنی ضد استعماری خود به علت واپس ماندگی ملی که در زمان سادات در نتیجه تجدید رابطه با دشمن صهیونیستی به نقطه اوج خود رسید هاست به نمایندگان سازمانها، جریانی سیاسی و شخصیت های میهن پرست که در چرخه رجب جبهه ملی مصر گرد آمد هاند ما موریت داده است. اعلامیه زیر را صادر کنند:

ما امضاء کنندگان زیر، نمایندگان جریانی سیاسی، احزاب و نیز میهن پرستان مستقل در خارج از کشور بر اساس اصول زیر برای تشکیل جبهه ملی مصر به توافق رسید ه ایم: کلیه سازمانهای شرکت کنند در این جبهه از استقلال سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی در خارج از جارجوب فعالیت جبهه ملی مصر برخوردارند و بعفالیستهای سیاسی خود در داخل و خارج مصر ادامه دهند.

اولا هدف اساسی جبهه به کارگرفتن تمام قدرت خود برای سرنگون ساختن رژیم فعلی مصر است.

دلیل زیرحقانیت این هدف را توجیه می کند:

۱- رژیم موجود مصر به علت نزدیکی و همکاری با صهیونیسم و امپریالیسم مشروطیت خود را از دست داده است و در جهت مخالف خواسته ها، علائق، اهداف و حیثیت ملت مصر عمل می کند. این سیاست خیانت به هزاران شهید مصر و تلاش های طاقت فرسای میلیونها فرزند مبارز و فدای این کشور است.

رژیم سادات با این سیاست، مصر را از متحدان طبیعی خود در جهان عرب جدا کرده است. دواقدام سادات مشخص کننده سیاست

رژیم فعلی مصر است:

الف: دیدار از بیعت المقدس اشغال شده در ۹ نوامبر ۱۹۷۷ (۲۸ آبان ماه ۱۳۵۶) این عمل بمعنای به رسمیت شناختن دولت صهیونیستی در ریبالاترین سطح و در نتیجه به رسمیت شناختن اشغال تجاوز و کارانه تصرف سرزمینهای عربی و در رأس آن فلسطین و بخشی از سرزمین عربی مصر است این عمل در شرایطی انجام گردید که دشمن صهیونیستی هنوز بخشی از سرزمین مصر را در اشغال خود دارد.

ب: امضای قرارداد دوستی در واشنگتن در ۲۶ مارس ۱۹۷۹ (۵ فروردین ماه ۱۳۵۸) کمی بعد از امضای قرارداد کمپ دیوید که بر اساس آن حق حاکمیت مصر بر صحرای سینا، و خلیج عقبه محدود می شود. خیانت به حقوق قانونی خلق عرب فلسطین در بازگشت به سرزمین اجداد یوحنا خود مختیاری و تشکیل دولت مستقل فلسطین است.

رژیم سادات با برداشتن این دو گام ادعای عربی بودن و قانونی بودن خود را از دست داده و از اجرای وظایفش در برابر خلق مصر، جامعه کشورهای عربی و نیز مصوبات کنفرانس سران کشورهای عربی در خرطوم، الجزیره و ریاض شان خالی کرده است. این دو گام سرفصل عادی شدن روابط مصر و اسرائیل بود. بر اساس قرارداد دوستی، عقب نشینی از سرزمینهای اشغالی مصر توأم با گسترش روابط سیاسی، اقتصاد و فرهنگی است. ما این اقدام را فروش رسمی و آشکار حاکمیت ملی مصر و نقض خشن معیارهای بین المللی موجود در قرارداد های بین دولتهای ما دانیم.

۲- تحت شعاع متنوع ساختن منابع خرید اسلحه همکاران امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم آغاز شد و ارتش مصر را که عامل تعیین کننده در بازپس گیری حقوق مصر و اعراب از دشمن صهیونیستی بود تضعیف کرد. با این شعاع رعا مفریبا نه نیروهای دفاعی مصر در ۶ سال گذشته سطحی تنزل یافت که پایین تر از اکتبر ۱۹۷۳ است در حالیکه نیروهای نظامی اسرائیل در همین مدت بیش از دو برابر افزایش یافت. رژیم سادات به منظور ریشه کن کردن این امر، نیروهای نظامی کشور را که ملاد رجعت مخالف وظایف اصلی آن مشغول ساخت، مانند برخورد ساختگی با نیبی در رمزهای غرب مصر در ژوئیه ۱۹۷۷ او بریدن کامل از استراتژی ملی مصر، که حالت در رژیم سادات است.

۳- رژیم سادات با پذیرش حضور نظامی آمریکا از استقبال کارشناس نظامی و استقرار ایستگاه های ایدئولوژیک در روفرودگاه های کشورهای عربی و متحدین - های نظامی آمریکا به منظور اجرای ما نورهای مشترک "حق حاکمیت ملی مصر را که ملانزی را گداشته است.

یقینا رژیم سادات در نظر دارد تحت پوشش "واگذاری تسهیلات نظامی" پایگاه نظامی را در اختیار متجاوزان آمریکایی قرار دهد، امری که امنیت تمام منطقه عربی را تهدید می کند.

۴- خلق مصر متحمل رکود سریع سطح زندگی، افزایش بیکاری، تورم، از یاد بیش از حد قیمتها، کمبود مواد غذایی اولیه، وضع فاجعه آمیز بخش خدمات و نفوذ سرطانزا و فساد انگیز اقشاری شده است که کثرت ملی کشور را از راه زدی و غارت می کند و با ناکها و کنسرنهای بین المللی تقسیم می کنند.

بحران اقتصاد و هر روز شدیدی ترمی شود زیرا رژیم سادات تمام تلاش خود را در جهت برهم زدن روابط اقتصاد با کشورهای عرب برادر ریفنح اسرائیل و صهیونیسم بین المللی متمرکز کرده است. رژیم سادات اقتصاد ملی

کشور را در ریست در اختیار سرمایه های خارجی و انحصارات بین المللی قرار داده است. تحت عنوان "عادی کردن روابط" در راه های کشورهای سرمایه های اسرائیلی، جهت صدور کالا و نفوذ و برانگاران بر اقتصاد ملی مصر کاملاً گشود ه شده است.

این سیاست بخش فعال بورژوازی در اقتصاد را به سوی ورشکستگی می برد و قسمت اعظم فعالیتها را در هر چه بیشتر توجه سادات - واردات و گرفتن نمایندگی شرکت های خارجی، فعالیت در بازار بورس، ریا خواری، قاچاق و بازار سیاه کرده است. این امر به واپس ماندن صنایع داخلی و بر برخی رشته های تولیدی به تعطیل کامل منجر شده است. با فروش سهام کارخانه های باقی مانده از بخش دولتی به سرمایه دارها و خارجی و داخلی، این بخش گام به گام از بین می رود.

۵- در بخش فرهنگی نیز صهیونیسم دست به اقدامات وسیعی زد هاست که اصول و ارزشهای بنیادی ما را به محتوی ساخته و بدین وسیله نسلهای آینده را نیز مورد تهدید قرار داده است. با تغییرات وسیع در محتوای درسی و برنامه های آموزشی در مدارس، بطرز بی سابقه ای به شستشوی مغزی تود هها پرداخته و درصد نا بودی سنتهای فرهنگی هزار ساله برآمده و معیارهای جدیدی از منحنی ترین ثغوری نژاد پرستی زمان ما یعنی صهیونیسم را جایگزین آن ساخته اند.

۶- این سیاست رژیم منجر به انزوای کامل مصر در جهان عرب و ویران شدن خصلت عربی مصر، علیرغم تلاشهای بی بو حانه رژیم شده است و بدین وسیله مصر در میان تعیین کننده ملت عرب، از ایفای نقش تاریخی و وزیر خود محروم شده است.

رژیم سادات سوءاستفاده وسیعاً نه از بربریا گذاشتن اصول اخلاقی، در توجیه خیانت و ریاکاری های خود به شعائر و مبانی اسلام زیانهای نامحدود و یزده است.

این تغییرات که گام به گام در ساختار اقتصاد، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی مصر صورت گرفته است رژیم را به یک حکومت دست نشانده که تنها به متحدان خارجی خود متکی است تبدیل کرده است. هم اکنون مصر نقش واقعی خود را در جهان عرب، در بین کشورهای در حال رشد در سطح جهان از دست داده است.

ثانیا: استقرار ریل نظام ماکراتیک ملی به منظور تحقق بخشیدن به هدفهای زیرین است:

۱- لغو قرارداد خائنانه با اسرائیل و از بین بردن تمام پیمانهای آن، تدارک لغوری برای آزاد ساختن مناطق اشغالی، برجیدن پایگاه های تجاری و آمریکا و تأکید بر حقوق حقه خلق عرب فلسطین و در رأس آن حق بازگشت، حق خود مختاری و ایجاد یک دولت مستقل به رهبری سازمان آزاد بیخ فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی این خلق.

۲- تأکید بر شخصیت عربی مصر نه تنها به خاطر طرد اشتن زیان و وجوه سیاسی و اقتصادی مشترک با سایر اعراب بلکه همچنین تأکید بر هویت ملی خلق مصر.

هویت عربی مردم مصر لیا س نیست که تنها به مناسبت های معینی به تن کند، شعار سیاسی هم نیست که در مواقع معینی داده شود، بلکه ارثی است از سرزمین، زبان، تاریخ، اقتصاد، جانیاینها، فرهنگ و ارزشهای مشترک مذ هیمی بین تمام اعراب است که مصر با نقش تاریخی خود در رأس آن قرار دارد.

۳- رها ساختن اقتصاد ملی از تسلط سرمایه خارجی و نکل گونه اجرای مجدد سیاست برنامه ریزی مرکزی در زمینه اقتصاد اجتماعی و هما هنگ با منافع توده های زحمتکش و سرمایه گذار ریهای تولیدی در

اقتصاد ملی، حمایت از روابط اقتصاد و تجاری با کشورهای عربی در چارچوب اقتصاد ملی عربی

۴- تحقق بخشیدن به مکرر سیاسی واقعی به عنوان تنها راه حفظ دستاورد های خلق و تأمین شرکت مردم در تصمیم گیری های سیاسی کنترل و اجرای آن. این امر تنها در صورتی عملی است که آزاد بیهای فردی به و ن هیچ گونه اعمال نفوذی به تود هها تأمین شود. این بمعنای آزاد بی تمام جریانی سیاسی در سازماندهی و اظهار عقیده است. فقط خلق این حق را دارد که از بین این جریانیهای سیاسی در ریک جمهوری پارلمانی سازمان مورد علاقه خود را انتخاب کند. لغو تمام اقدامات و قوانین تزیینی شرط ایجاد یک نظام ماکراتیک واقعی در کشور است. تحقق بخشیدن به این وظیفه تاریخی از عهد هیچ یک از نیروهای مخالف به تنهایی ساخته نیست به همین علت همکاران این نیروها در ایجاد یک جبهه وسیع ضرورتی اجتناب ناپذیر است. جبهه ای که راه یافتن به آن برای تمام نیروهای ملی و ماکراتیک علیه رژیم فعلی مبارزه می کنند ممکن است. خلق مصر باید در این جبهه جای خود و نیز رهبری خود را بیابد، رهبری یکفردی را به نجام این وظیفه خطیر باشد. ما یقیناً کامل در آیم که تلاشهای خلقی ما، مبارزان پیشاهنگ آن و رهبران نیروهای مخالف در کشورهای نیز تعیین کنند های هستند که قادر به نجام گرونی لازم میباشند. به موازات تلاشهای پیگیری که در داخل مصر در جهت ایجاد و گسترش جبهه واحد انجام می شود، جبهه ملی مصر را در خارج از کشور به عنوان مکمل طبیعی آن تشکیل مید هیم. رهبری جبهه از نمایندگان نیروهای سیاسی، جریانی، احزاب و شخصیت های میهن پرست تشکیل میشود که به علل امنیتی انتشار نام برخی از آنها برای ما امکان ندارد.

جبهه ملی مصر از تمام کسانی که با برنامه و اعلامیه آن موافقت و آماد هاند از سیاست جبهه فعالا نه پشتیبانی کنند به گرمی استقبال میکند. ما در برابر مبارزان و روشنفکران انقلابی، به بویژه جوانان که در آگاهیه های بسیاری در پیشبرد روند انقلابی کرده اند و هنوز همی - کنند و در این راه با خشن ترین تضییقات و پیگرد ها از رژیم خائن مواجه هستند سر تعظیم فرود می آوریم. ما در برابر خلق و ملت عرب خود سوگند یاد می کنیم که به مبارزه خستگی ناپذیر خود برای متحد ساختن نیروها و تعمیق تلاش های لازم در جهت سرنگون کردن رژیم خیانتنکار و ایجاد یک نظام ماکراتیک ملی و مستقل ادامه خواهیم داد تا مصر به استقلال واقعی و مقام تاریخی خود در جنبش رهایمی بخش خلقها بازگردد.

(لغیتها جرائد جبهه ملی مصر):

ژنرال سعد الدین شازلی، ژنرال جنگ اکتبر ۱۹۷۳ (مستقل)

"ابومحمد" (از جنبش اسلامی)

میکائیل کامل (از حزب کمونیست مصر)

خانم کتر حکمت ابوزید وزیر سابق امور اجتماعی (از جنبش طرفداران ناصر)

حسن الیاب (از انجمن میهن پرستان مصر در خارج)

هفته نامه
اتحاد مردم
صاحب امتیاز: محمود اعتماد زاده
(به آذین)

سردبیر: محمد تقی برومند
نشانی: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹
تلفن: ۶۴۴۳۸۴
چاپ کاپیان

هوشنگ پورکریم



تحولات اجتماعی در جامعه روستایی ایران از آغاز تا کنون (۱۵)

ادامه قسمت پنجم :

وضعیت زحمتکشان روستایی و جنبش های اجتماعی ایران در عهد حکومت خلفا

تا کنون با استناد به متون تاریخی، گفته شد که ریزان عهد حکومت خلفا خراج را عموماً به تناسب مساحت زمین و نوع محصول بر حسب "د رهم" وضع میکردند و از تأسیساتی نظیر آسیاب نیز خراج میستاندند. هر یک از عمال حکومت خلفا در ریزان، نظیر عامل خلیفه در قم خراج را از "مؤدیان" و بوسیله "جهبذ" (خزانه دار) جمع آوری میکرد.

بنابراین قول "تاریخ قم"، در سال ۳۱۰ هجری قمری که علی ابن محمد سهل "از جانب خلیفه عباسی" العتد ربانله" عامل قم بود، "جهبذ" قم متعهد شده بود که "هر آنچ در این سال از خراج استخراج کرد" شود "جمع آوری کند تا" بعد از آن به بیت المال و به حضرت خلیفه نقل کند. "از من تعهد نامه ای که این "جهبذ" نوشته است میتوان به دقایق وصول خراج پی برد. او تقبل میکند که نه فقط خراج آن سال بلکه همچنین "بقایای ماقبل آن" را هم وصول کند. و مقرر نماید که "مؤدیان و اهل خراج" کلیه "رسوم" و "کسور و کفایت سلطانی" را "بر عادت عمال پیشین" بپردازند. در مقابل او نیز با آنان جزیه "عدالت و نصفت" رفتار کنند و "هر وقتی وساعتی که بعضی از اموال خراج" را به او "فرود آورند" تحویل بگیرد و "برات" بنویسد. حقوق کارکنان دستگاه خزانه داری هم از خود او ("جهبذ")، "کتاب"، "نقاد"، "وزان" و هزینه های نظیر اجرت چارباغان که به ایشان مال به بیت المال نقل رود و "بهای کاغذ و کرباس همیان ها و زنبیل ها و توبرها" هم از جوهی پرداخت بشود که خراج پرداخت آن به تناسب میزان خراج خود تأدیه میکنند تا "از مال سلطان احتساب" نشود (۱).

از مفاد این نامه پدید است که هر چند مقدار خراج را - چنانکه قبلاً گفته شد - به "د رهم" یا "درم" محاسبه و تعیین میکردند، ولی بخش عمده ای از آن به صورت جنسی تأدیه میشد. زیرا متن نامه از وجود "وزان" و "نقاد" ذرد ستگاه خزانه داری خبر میدهد که کارشان سنجش وزن و بهای "اموال" بود. در عین حال از "همیان" (انبان) و زنبیل و توبره و چهارپایانی هم صحبت شده است که به وسیله شان خراج جنسی را به "بیت المال" منتقل می کردند.

نکته دیگر اینکه، گذشتہ از خراجی که معین بود، عوارض دیگری هم "بر عادت عمال پیشین" وصول میشد که در این نامه از آنها با اصطلاح "رسوم" و "کسور و کفایت" صحبت شد. "رسوم" به آن قبیل عوارضی اطلاق میکردند که از عهد دولت ساسانی به انحاء مختلف از جمله در آئین های نوروز و مهرگان از مردم عهد تا از روستائیان میگرفتند. قسمتی از "رسوم" را که بعد ها هم معمول بود و مثلاً در عهد دولت سلجوقی - چنانکه به موقع خود ذکر خواهد شد - عمال حکومت با عناوین "مال السلاح"، "نعل بهیا"، "شراب بهیا" و از این قبیل وصول میکردند. گویا که وصول "رسوم" همواره از جمله موارد اختلاف بین عمال خلفا و روستائیان ایران بشود. موافقی اتفاق می افتاد که این قبیل عوارض برای مدتی لغو میشد و مجدداً برقرار میگردد. از این لحاظ بین فقهای اسلامی هم در عهد خلفا اتفاق نظر وجود نداشت. چنانکه "بلاذری"، در رجائی از "فتح البلدان"، تحت عنوان "فصلی در حکم زمینهای خراج" عقیده "ابویوسف" (۲)، یکی از فقهای معروف "حنفی" را که در این خصوص مخالف عقاید "مالکی" و "شافعی" بود به این صورت نقل میکند:

"ابویوسف گوید: اگر در بلاد عجم آئینی از آئینهای کهن به جای باشد که اسلام آن را تغییر نداد، باطل نکرده باشد، چون قومی نزد امام روند و از زیانهای که از آن آئین بدیشان رسد شکایت کنند، نشاید که امام تغییری در آن دهد. مالک و شافعی گویند: تغییر دادن آن جایز است اگر چه آئینی کهن باشد. زیرا بر امام است که هر سنتی را که بدست مردی مسلمان گذارد شده است باطل کند. حال خود چه رشد به سنتی که کافران گزارند" (۳).

اما "کسور و کفایت" عوارضی بود که بابت تسعیر و تفاوت نرخ بر اصل خراج میافزودند. چون خراج را در ریزان از همان اوان حکومت خلفا به "د رهم" که واحد سکه نقره و منسوب به عهد دولت ساسانی بود وضع میکردند. ولی آن را در وقت وصول بنا بر ضرایبی بعد بنا بر طلا و سوسپس به دیناری که رواج داشت تسعیر میکردند. بنابراین معمولاً از بابت این نوع حساب سازی ها بر اصل خراج مبلغی اضافه میشد. مؤلف "تاریخ قم" در رجائی دیگر از کتاب خود به عنوان "ذکر کفایت در خراج کوره" قم، قبل از آنکه به سابقه پیدایش "کسور و کفایت" بپردازد، مینویسد:

"در ایام نقدیم مرجنان بود ما ست که ارباب خراج را به تمکلیف و التزام کرد هاند و به هر هزار دینار بیست و پنج دینار دیگرست هاند و بعد از امتدتی کفایت برد و صنف نهاد هاند، یکی چنانچ یابد کرد مود یگر آنک بهر هزار دینار سی و سه دینار رود و آنک دیناری ستد هاند" (۴).

از نامه "جهبذ" قم نکته دیگری هم استنباط میشود که غیر از "تاریخ قم" اسناد تاریخی دیگری هم آن را تأیید میکند. و آن اینکه در عهد حکومت خلفا، غالباً هر سال، گذشته از خراج همان سال "بقایای ماقبل آن سال" را هم که به هر عذر و رغبتی وصول نشد و معوق ماند به وصول میگردد. مؤلف "تاریخ قم"، در رجائی دیگر، از این "بقایا" با اصطلاح "موانی" یاد کرده است. به قول او، وقتی ها رون الرشید خلیفه عباسی برای وصول "موانی" اصرار ورزید، مزدقم طغیان کردند. این واقعه اندکی بعد از ۱۸۹ هجری قمری و محتلاً در سال ۱۹۰ اتفاق افتاد که هنوز رقم از جمله نواحی تحت اداره عامل اصفهان "عبدالله بن کوشید" بود و او:

"براد رخود عاصم بن کوشید [را] به قمرستاند پیش از آنک قم را کوره و شهر گردانید هوند تا قم را مساحت کنند و به پیمایند اهل قم او را بکشند و گویند که او را از برای آن بقم فرستاد هوند تا بقایای سال های گذشتہ که آن را موانی میخوانند و رشید بدان عمال را مطالبت مینمود تا استیغای آن نماید و بستاند. پس اهل قم فرمان نبردند و او را بکشند" (۵).

گذشتہ از این نوع خراج که کم و بیش قدیمی بود و جنبه سنتی داشت، عمال حکومت هر وقت که می توانستند خراج های نوظهوری هم وضع می کردند که مؤلف "تاریخ قم" آنها را "رسوم های مستحدثه" نامیده است. چنان که مثلاً به منظور تأمین هزینه سفر در روقه ها و نیز برای "فرود آمدن در نواحی قم" خراجی وضع شد. مؤلف "تاریخ قم" نمونه دیگری از نحوه معمول شدن این قبیل خراج را تشریح می کند که در سال ۳۵۵ هجری قمری وقتی که "ابوهاشم" عامل قم بود، اتفاق افتاد. بقول او، این والی "مردی بس شریب بود" است "و به تفتیش" ارباب خراج در قم و "ضرائب خراج ایشان" می پرداخت:

"... پس ارباب خراج یک هزار و پانصد دینار بر سبیل بر (۶) و بهمه دودادند و این مبلغ بر اکره خود قسمت نمودند به محاسبه هر هزار دینار یک دینار رونیم و از این یک دینار رونیم بعضی آکا ملتزم آن میشد و از بعضی صاحب اربابش مثل نصف و ثلث و ربع و این وضع و قسمت را خراج نام نهادند. و چون ابوهاشم را معزول کردند و حساب او را باز دیدند، این مال خراج اصلی گشت تا غایت که تا بدین وقت می ستانند. این نیز ظلم و جور است زیرا که این مالیست که ارباب خراج جهت صلاح خود داد هاند تا بدیشان شری و مکروهی عاید نشود، نه از برای آنک اصلی گردانند و برایشان و بانی سازند و با وظیفه خراج ضم و ملحق گردانند" (۷).

طبعاً انواع خراجی که "ارباب خراج" منزه به پرداخت آن می شدند، به انحاء مختلف، بر زحمتکشان جامعه روستایی که مؤلف "تاریخ قم" آنها را "اکراه" نامیده است تحمیل می شد. چنان که در همین مورد اخیر، "ارباب خراج" مبلغی را که بر سبیل بروهیه به عامل قمار داد هوند، از "اکراه خود" جمع آوری کردند.

مؤلف "تاریخ قم"، هر جا که اختصاصاً از توده زحمتکش روستایی که تولید کنندگان نعم و محصولات زراعی اند صحبت کرده است، از آنان با عنوان "اکراه" و در حالت جمع "اکار" و نیز بصورت "بزرگان" نام برده است که در اراضی "ملاک و اربابان" یا "ارباب خراج" و "د ها قین" کار می کردند. این اصطلاحات اخیر در "تاریخ قم" کم و بیش، مترادف یکدیگر و غالباً به ازای هم به کار برده شده است. هر چند که از فضای مطالب کتاب نمی توان با وضوح به آن بخششی از روابط تولید زراعی پی برد که بین "اکار" و "بزرگان" از یک طرف و "ملاک و اربابان" و "د ها قین" و "ارباب خراج" از طرف دیگر، وجود داشت. ولی از برای ارضای مضامین کتاب میتوان تلویحاً استنباط کرد که رابطه بین این دو طرف بر اساس عقد "مواکره" بود. اصطلاح "مواکره" (مصد رباب مفاعله) از ریشه "اکر" به معنی حفر کردن و کندن است و به عقد بین "اکره" ("بزرگ" و "ملاک زمین") که او را آن زراعت میکرد اطلاق می شد. حال امکان داشت که این زمین واجد تملک شخصی، یاد ولتی، یا وقفی و یا اقطاعی بوده یا این که از جمله اراضی خاص خلیفه باشد که "صوفی" نامیده می شد. در همه این احوال عقد "مواکره" چیزی نظیر "مزارعه" بود که بر اساس آن زارع فقط سهمی از محصول را میتوانست بردارد و بقیه به عنوان بهره مالکانه اجاره، خراج و غیره نصیب ملاکان، دولت و خلفا، امیران صفاری و سامانی و آل بویه، متولیان اوقاف، اقطاع داران و یا گاه شتگان و عمال آنان میشد.

پیدا است که در این احوال، هر قدر بر باری خراج وضعات آن می افزود، مشقات بیشتری برد و زحمتکشان روستایی تحمیل میگردد. تا آنجا که در مواردی همه هستی خود را یکسر از دست میدادند و آوار میشدند. متون تاریخی، از جمله "تاریخ قم"، چند مورد از این قبیل را جسته و گریخته ثبت کرده اند. مؤلف "تاریخ قم" در شرح وقایعی که در حوالی سال دویست و نود و هفت هجری قمری اتفاق افتاد، راجع به روستاهای کرج می نویسد: "مردم آن" به علت ناتوانی در پرداخت این قبیل خراج ها "جاری وطن کرده و گریخته" بودند (۸). یا در جای دیگر راجع به روستاهای "مجان" و "ابرکومه" از "جای وطن کردن اکراه آن" (۹) شمه ای ذکر می کند.

ادامه دارد

یادداشتها

- ۱- حسن بن محمد بن حسن قمی: کتاب تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبد الملك قمی، تصحیح و تحشیه سید جلال الدین طهرانی، تهران، مطبعه مجلس، ۱۳۱۳، نقل به مضمون از صفحات ۱۵۳ تا ۱۵۵
- ۲- ابویوسف یعقوب النکوفی، متوفی ۱۸۲ هجری قمری، شاگرد ابوحنیفه (مؤسس مذ هب حنفی) که کتاب الخراج را، درباره خراج انواع اراضی و طرز وصول آن، برای هارون الرشید خلیفه عباسی نوشت.
- ۳- احمد بن حبیب البلاذری: "فتح البلدان، بخش مربوط به ایران"، ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۳۴۷
- ۴- "تاریخ قم"، ص ۱۴۷
- ۵- همان منبع، ص ۱۰۲
- ۶- بزر، به معنی "طاعت" و "عطیه"
- ۷- "تاریخ قم"، ص ۱۶۶
- ۸- همان منبع صفحه ۱۸۶
- ۹- همان منبع، ص ۱۳۲



بقیه:

گواهی چشم و گوش

وایتکنگای به شعرا ره‌های لوموند که دیشب برآورد هاند... ورق آزی ورق، انبوه‌مقاله‌ویررسی و تفسیر و خبر... سرد و درو بیگانا است... حسا بگری بود روغ شسته‌رفته، آهار زده، بسته‌بندی شده... اما در این نسخه‌های تلکس که از ژاک کوپسار، خبرنگار را ومانیت، برآیم گرفته‌اند، گرمای د یگری است... بیض‌زنده... انقلاب در آن می‌زند... می‌تواند دید که اینجای چیزی در کشاکش و در زادن است... به‌بهایی چمت‌لاش خونینی! و در رویا رویی باجه دشمنانی... از درون و بیرون! و این دشمنان انقلاب چه سلاح‌هایی به‌کار می‌برند... هم‌آتش‌وزهر و پولاد... هم‌تهدمت و دروغ‌هما هنگ... از هزاران در هان‌رسانه‌ها!

ژاک کوپسار از سفر خود به هرات در روز اول تیر و از گفت و گویش با سید احمد شاه سهرابی، مدیر رسه سیفی در روستای فیروز-آباد، یاد می‌کند: "او در رسه کلاسهایی مبارزه با بیسوادگی تشکیل داد... ما گذر شده... د ریگی از روزهای اول خورداد، گروهی می‌آیند و... پس از بخش‌اعلامیه‌ای که با نام خدا اوند متعال آغاز می‌شد و در ریای آن امضای سرگرد نور احمد، فرمانده عملیات جبهه و ایستمه حرکت انقلاب اسلامی "تهداد" بود... مد رسه آتش می‌زند... کوپسار، از گفته "همین مدیر رسه، می‌نویسد که مرکز اصلی این گروه در ایران می‌باشد و از پشتیبانی ماد یوسیاسی ایران برخوردار است."

همچنین کوپسار، در گزارش باز دید خود از زندان پل چرخ، از مهندسی مصری به نام ضیا الدین محمود یاد می‌کند که در جامع الا زهر در رس خوانده در آنجا به جمعیت "اخوان المسلمین" پیوسته است... او می‌گوید که تا پنج ماه پیش در رویت کار می‌کرده... به شتیدن خبر ورود ارتش شوروی به افغانستان، به اغوا ی مردی کویتی به خدمت "سیا" در آمد... به‌بهایی کستان اعزام شده است... مرد مصری، پس از گذراندن دوره آموزش جاسوسی و خرابکاری در ریشاور، همراه یک کوماندر و تروریست... از جمله و انگلیسی و د وچینی که خود را روزنامه‌نگار روانمود می‌کردند... رهسپار افغانستان می‌شود... در استان کونار، بر اثر حادثه انفجاری، ارتباطش با همدستان افغانی خود قطع می‌گردد و تنها می‌ماند، تا آن‌که ما موران در رجست و جوی‌خانه‌ها دستگیر می‌کنند... ضیا الدین محمود، در ریاسخ کوپسار، به‌صراحت می‌گوید که در زندان هیچ نگهبان و هیچ افسر و مستشار روسی ندیده است و همه باز پرسها - یش افغانی بود هاند.

همین نکته را زندانیان سیاسی سرشناس - رهبران و کارگزاران د ولت حفیظ الهامین - که اکنون مهمانان زندان پل چرخ می‌باشند تأیید می‌کنند... از آن جمله اند وزیران خارجه، دادگستری، کشاورزی، اطلاعات و فرهنگ، و سال‌ها مسعودی، وزیر آموزش که بیست روزی هم سفیر افغانستان در ریاس بود، و حسن گل‌وفا، رئیس فدراسیون اتحادیه‌های کارگری در زمان امین‌الله... آنها مات سنگینی برهریک از اینان وارد است... مانند دستور کشتار گروه‌های مردم به بهانه ضدیت با انقلاب یا به زندان افکندن اعضا جناح دیگر حزب که غالباً به بهایی جان‌شان تمام می‌شده است... اکنون هر یک به‌زبان د ری تیره خورشید اند: "ما چیزهای حقیقت آنچه می‌گذشته است نمی‌دانستیم... و همه گناه را بقدرت فردی امین و تسلط د سنگا بهلیسی اونسبت می‌دهند."

کوپسار در باره زندان پل چرخ اطلاعات دیگری هم می‌دهد: "برای ورود به زندان در سه جا از سوی سربازان افغانی بازرسی شد... همه زندانیان سیاسی افغانستان - که در آن میان حتی یک زن نیست - در اینجا گرد آمد هاند... هفتاد تن در ساختمان شماره یک - همدارزیند پایگان حکومت امین، و اکنون در انتظار رداد رسی پانصد و هشتاد تن هم در ساختمان شماره دو..."

"رئیس زندان - سرگرد ظاهر - که خود چهارده ماه در پل چرخ زندانی بود هاست، می‌گوید: "هر خبرنگاری از هر جای - تواند بیاید و به چشم خود ببیند و به گوش خود بشنود... ما اینجا هیچ چیز پنهان کردنی نداریم..." او در مدخل ساختمان شماره دو، و در پل چرخ خود، تالاری را نشان می‌دهد که در آن یکصد و هفتاد تن بی‌محا کمتیر باران شده‌اند... و اما اینها، ببینید، هیچ چیزشان کم نیست: غذایشان بجا، ورزش و هوا خوری‌شان بجا، کتاب و روزنامه‌شان بجا... همه تند رست..."

کولردر کار است و پیردها انداخته... در سایه روشن خنک اطفا، وقت آهسته‌مانه بی‌تشویش می‌گذرد... با این هرجومرد شواریها، کار انقلاب به کجا خواهد کشید... اینجاد را افغانستان و آنجاد در ایران؟ و این د و آیکای در نقطه تفاهم به هم خواهند رسید؟ اندکی گذرشته ظاهر، مهماندار می‌آید، خسته و پوزشخواه... چه می‌کنیم؟ - پس از ناها ر، کمی استراحت... بسیار خوب... ولی هنوز تا ساعت شش که با آقای سلطانی نعلی کشته‌اند قرار ملاقات داریم، فرصتی هست... به‌گردش در شهر خواهم رفت...

ساعت چهار رو نیم... خیابان خاک گرفته در آفتاب سوزان چرت می‌زند... رفت و آمد کم است... فروشنده‌گان در سایه غلیظ مغازه‌ها خزید هاند... در هر چند قدمی به تماشا می‌ایستیم... کارهایی از مرمر، - زیرسیگاری و جعبه‌وقاب عکس... یکنواخت است و جنگی به دل نمی‌زند... د ریگی د و مسعاری، در میان مشت خرت و پرت، چند د وری و کاسه چینی، بسیار اصیل و خوش طرح... جا به جا، قالیچه‌ها و قالی‌های تاشده... پیردها در میان، البته بنجل‌های ژاپنی و غیر آن که زنده گی امروز به مردم تحمیل می‌کند... ترموس و یاد بزن برقی... رادیو... ضبط صوت... د و ربین عکاسی... د و چرخه..."

از کنار پارک زرنگار می‌گذریم... به نظر انبوهی در رخت سرد رهم می‌آید، بی‌گل و چمن و باغچه‌بندی... گروهی جوانان و مردم در آن پراکنده هاند... جنب و جوش و ازدحامی نیست... خواب و گرما و تشنگی... خوش خوشک پارک راد و رومی زینم و زهر در ری گفت و گومی کنیم... وقت می‌گذرد... اینک به خیابانی در موازات خیابان نخستین می‌پیچیم... اینجا فضای دیگری است... رفت و آمد و جنب و جوش در پیاده‌رو... از دحام در جلوه‌های میوه‌بستنی و نوشابه‌های سرد، در مدخل پارک... در سواره‌روخیابان، ما شینها و اتوبوسها با شتاب می‌تازند... د ریگی از این اتوبوسها، آراسته و پر نقش و نگار، سر نشینان کف می‌زنند و آوازی خوانند... به جشن عروسی می‌روند... خود را با احتیاط به آن سوی خیابان می‌رسانیم... مغازه‌های "لوکس": پالتوها ی پوست، کفش و لباس د وخت ایتالیا، پارچه فروشی، آرایشگاه‌ها... از د و سماجا، جویای قیمت‌های می‌شوم... ارزانترا از ایران است... ولی، در مقایسه با درآمد متوسط کارمندان... د و سه هزار افغانی در ماه - جز گروهی انگشت شمار به خرید این کالاها دسترسی ندارند... از کوچهای در ضلع دیگر پارک برمی‌گردیم... راه تنگ است و ما شینها با د نیالهای زگر د و غبار از د و سود رفت و آمدند... باد نیز

هر از چند یکی یکی می‌وزد و خاک و خاشاک د ر چشم‌ها می‌پاشد... اینک باز از جسمه‌مانندی، با پیک د و تیغچه، پارک کما از آن منشعب می‌شوند، و در د کانهای میوه‌فروشی با توده‌های شاد و خوشبوی سیب سرخ، طبق‌های انگور، سفید و سیاه، سبدهای کوچک توت فرنگی، زرد آلو و گیلان، خیار، انواع سبزی، خربزه و هند وانه... همه بغرا وانی و با قیمت‌هایی بسیار ارزانترا از ایران... می‌گذریم... د ر آن سوی خیابان، به‌گذر جوا هر فروشان سر می‌زنیم... د کانهای کوچک، گویی چید ه در کنار هم... د رجعبه‌آینه‌ها، قطره‌های سنگ شفاف رنگین که نور د ر آن بازی می‌کند... زبرجد و لعل و کرکشان و زمررد زرد و پیا ره‌های ریزود رشت لا جور د و مالا کیت که در انگشتی و گوشوارها و انگو غیر آن نشانده‌اند...

از گرما ی روزان د کان کاسته شده است... جلوه‌خان د کان را شاگر د آب می‌پاشد... به‌دکانی که کمی از دیگران بزرگتر است د اخل می‌شویم... جوا هر فروش به‌تر از خود ما می‌داند که خریدار نیستیم... با این همه، از سراد ب به سلام ما پاسخ می‌گوید: نگین‌هایی را که نشان می‌دهد... د هیم ز جعبه‌آینه‌بیرون می‌آورد و پیش چشم ما به تماشا می‌گذارد... قیمت هر یک را بی‌کمترین نشانی از بی‌حوصلگی می‌گوید: شانزده هزار، سی و هشت هزار، هفتاد و پنج هزار افغانی..."

بیرون می‌آیم... همه چیز آرام است... همه کس آرام است... هیچ پروا و پرهیز، هیچ نگاه د زید ه، هیچ نگرانی نیست... د ر این چند راسته خیابان و پیا زار روز گذر که رفته‌ام، حتی به یک پاسبان یا سرباز برنخوردم... زنده گی بر عادت د بیرینه می‌گذرد... سستی و خوابزدگی شرق، آن سان که جعبه‌انگرد ان‌غریبی وصف کرده‌اند و آن سان که جعبه‌انخواران یانکی می‌خواهند... نه... نه... انقلاب حقیقت ندارد... مردم د ر اکثریت خود آن را پذیرفته‌اند... و همین برد زنده گی ضد - انقلاب می‌افزاید... اما میدان جنگ، اینجا، د ر راسته جوا هر فروشان نیست...

ساعت شش... ملاقات با آقای سلطانی نعلی کشته‌اند در تالار آراسته وزارت پلان گذاری (برنامه) ... برخوردی بسیار گرم، مانند د و دست قدیم که یکدیگر را پس از سالها بازمی‌یابند... بریک نیعت می‌نشینیم... پیش از سخنان او که در حد پیش‌بینی ام‌سخت لطف - آمیز است، توجه به شخص است... چهره گشاده‌ای دارد، بسیار آرام، که چیزی از شکنجه‌های زندان امین نشان نمی‌دهد... با این همه، او نیز می‌بایست همان سرشوش برادرش را داشته‌باشد که ناجوانمردانه تیرباران شده... و بازی سرشوش آن‌که او از زندان بدر آمد تا بید رنگ د ریکی از اعلا لیتترین مقامات حزب د و ولت به فعالیت پردازد... و عضو فترسیاسی حزب، معاون شورای انقلابی، معاون صدراعظم و وزیر امور پلان گذاری است...

به پرسش‌های من در باره اقتصاد افغانستان و برنامه‌های باز سازی و پیشرفت آن بی‌شتاب و بی‌کمترین هیجان سخن می‌گوید و د شوارها و انگیزه‌های امید و آری بر می‌شمارد... از د وستی طبیعی و ضروری مردم و کشوری د می‌کند و گفته‌ام راد ر باره یگانگی بنیادی انقلاب‌های ماکهر د و خصلت خلقی و ضد امپریالیستی دارند... تأیید می‌کند... آنچه من می‌گویم، همان بر زبان او است، و آنچه او می‌گوید، گویی از دل من بر می‌آید... نزد یک به یک ساعت بدین گونه می‌گذرد... نمی‌خواهم پیش از این وقت او را که گرانهاست بگیرم... با محبت و بزرگواریش تا نزد یک پلکان همراهم می‌کند... به گرمی بار د یگرد ست می‌فشاریم و جد می‌شویم... به اقامتگاه خود بر می‌گردیم...

چند اصطلاح

شعور اجتماعی

شعور اجتماعی یکی از مفاهیم اساسی فلسفه، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است... فلسفه علمی معتقد است که تحلیل شعور اجتماعی د ر آن رخا ج از زندگی اجتماعی د شوار و نا ممکن است... شعور... بد و آیک محصول اجتماعی است و تا زمانی که انسان‌ها وجود دارند محصول اجتماعی باقی می‌ماند... (مارکس و انگلس، ایدئولوژی آلمانی، پاریس ۱۹۶۸ ص ۵۹)

شعور اجتماعی انعکاس وجود اجتماعی است که در زبان، علم و فلسفه، آثار هنری، ایدئولوژی، قواعد اخلاقی و آراء و عقاید طبقا - تی، گروه‌های اجتماعی و غیره تبلور می‌یابد... و ساختاری پیچیده و سطوحی مختلف دارد که از سطح شعور توده‌ها تا شکل عالی فکرتئوریک د ر نوسان است... شعور اجتماعی شکل‌های مختلفی دارد که عبارتند از علم، فلسفه، هنر،

اخلاق، سیاست و حقوق... شعور اجتماعی که انعکاسی از وجود اجتماعی است، استقلال نسبی دارد و در زندگی جامعه متغیلاً اثر می‌گذارد.

هنگامی که گفتگوا شعور اجتماعی است، معمولاً آن را از فرد مجزای سازند و مجموع آراء و اید‌های خاص یک جامعه مفروض یا یک گروه معین اجتماعی را د نظر می‌گیرند... زیرا همان - طور که جامعه عبارت از "مجموع" افراد نیست، شعور اجتماعی هم نمیتواند محصول "مجموع" شعور افراد باشد، بلکه یک شکل بندی یایک سیستم ویژه است که زندگی بالانس به - مستقلاً دارد... بین شعور فردی و شعور اجتماعی تأثیر متقابل وجود دارد... عناصر و اصول شعور مولود جامعه به باورها و راهی شخصی فرد، سرچشمه فرامین اخلاقی، احساسات زیبا - شناسانه و ریافت‌های پوی تبدیل میشود... اید‌ها و اعتقادات شخصی هنگامی که وارد شعور اجتماعی می‌شوند، به نوبه خود، خصلتی با ارزش اجتماعی و اهمیت یک نیروی اجتماعی پیدا می‌کنند.

بورژوازی کمپرادور

بورژوازی کمپرادور (سرما پیدارد لال) به بخشی از بورژوازی ملی یک کشور کم‌رشد اقتصاد د که با سرمایه خارجی پیوند بسیار نزدیک دارد، گفته می‌شود... این قشر از بورژوازی ملی نقش واسطه (دلال) را در بازار داخلی و خارجی بین دهقانان و پیشه‌وران کشور خود و انحصارات خارجی بازی می‌کند.

بورژوازی کمپرادور در عصر تشکیل سیستم استعماری امپریالیسم، قبل از همه از میان بخشی از گروه‌ها و طبقات استثمارگر (بازرگانان، رباخواران، قنودالها، زبندگان، قبایله) که بی‌قید و شرط د زمینده اقتصاد د و سیاسی فرمانبرد از سرمایه‌خارجی هستند، بوجود آمد.

استثمارگران فعالیت بورژوازی کمپرادور را به قلمروگردش بولی محدود می‌سازند... استثمار تولیدکنندگان کوچک سرچشمه ثروت اندوزی ایمن

بورژوازی است... بورژوازی کمپرادور و ریس از گرد آوردن سرمایه‌های کافی از راه تجارت و ربا خوار به برخی شاخه‌های صنعت و کشاورزی استعماری را می‌پیدا می‌کنند... د ر مجموع گسترش موسسه ملی با اقدامات اقتصاد د و فوق اقتصاد د مطلوب سرمایه‌ها مترویل متوقف می‌شود... خصلت مشخصه بورژوازی کمپرادورگر ریز از شرکت د ر جنبش‌های ملی ضد استعماری پایان قرن نوزدهم - آغاز قرن بیستم و دران بین د و جنگ (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ و ۱۹۴۵ - ۱۹۳۹) و موضع گیری ضد ملی و هوادار امپریالیستی است... د ر کشورها ی نوپا که در راه رشد سرمایه‌داری گام نهاده‌اند، بورژوازی کمپرادور که غالباً منافع سیاسی اش با منافع تمام طبقه بورژوازی ملی تطبیق می‌کند، بنا بر خصلت فعالیتها یش با سرمایه‌خارجی پیوند نزدیک دارد... و هم‌این بورژوازی است که نفوذ اقتصادی و سیاسی اش بیشتر احساس می‌شود.

چو کربید ارشد موهای زبرزن توست
 د هانش رفتن بود و مزه ترشید هه بریا ننتین می -
 داد هیگلش را که تکان داد ، تخت خواب کهنه
 د و نرفه به لرزه افتاد و یک بری شد ، روی بالش -
 های چوک مرد مومچاله شد ، جای سرها به
 صورت د ایره های سیاه ماند ، بود و لکه روزلب
 مثل زخمی که هنوز جوش نخورد ، با شد توست
 ذوق میزد ، د هان چوکرا ز مشروب دیشب
 خشک بود و سرش زد می کرد .
 زن د رخواب و بید اری می گفت : " نه ...
 نه ... " و بد نش زبریتو مرطوب و عرق د اری بود .
 رخت خواب بوی عطرا زان قیمت ، جیگاره ، عرق
 تنواد را ریجمی داد ، پرده رنگ و روورفته
 اتاق که با نسیم د اغ تنگ می خورد انگار رساو
 اش را میگرد و زیر پیراهن پا را ی که از یک گیره
 فلزی آویزان بود د روز رنگبخته صبح بیک
 شیخ می مانست .
 چوکر عصبانی بود و احساس ناخوشی می -
 کرد ، پتوی کهنه کثیف به صورتش مالید هشد و
 بویش به همرا مسا پیربوا مشامش را آرزو او را
 بیان فکر انداخت که تمام عمرش را زبرچینی
 پتوهای سرکرد ما ست ، بعد فکر کرد که یکا ش
 می توانست د رخت خواب یک هتل د رجه یک
 بخوابد و رواند از ی که زه روی خود ش بکشد .
 این آرزو بلافاصله جای خود ش را به زوی یک
 لیوان آبجوی سرد و یا حتی آب سرد داد چوکر
 احساس بیحوصلگی کرد و پتورا با شدت کنار
 زد .

برای کار کردن
 زن گفت : " باشمرد ، اما اون با اینکه من رو
 ول کرد مورفته نمی خواد هیچکس د یکه هم بیاد
 اینجا . ممکنه مواظبت باشه ."
 چوکر غرشی کرد و گفت : " مرد ه شورش بیره
 ماد ر قحبه ... "
 زن چیزی نگفت ، از تخت کصد اها ی نا -
 هنجاری می داد ، یا بین آمد تا به جده اش برسد
 با آن زیر پیراهن شل و بی قوا را ش لبه تخت
 نشست و مشغول شیردادن شد .
 بعد گفت : " اگه میگذر رصبر کنی جای
 د رست می کنم ."
 " ولش کن ."
 چوکر رنگا هی به زن انداخت ، سرش را تکان
 داد و پوزخند یزد ، بعد رفت بیرون .
 طول راه روی خانه را طی کرد و از کنا را طاق
 های د یگر گذشت ، چهره اش از شدت سر
 د رد و سوزش د هان و گلود رهم فرورفته بود .
 زمین چوبی برا زسوراخ بود و چوکرا آنجا که
 هیگل سنگین اش اجاز می داد ابا احتیاط راه
 میرفت .
 از آن خانه بویناک بیرون آمد و د ر آفتاب
 صبحگاه هی به سوی شیرآب رفت ، این شیر د ر
 تکه زمین با پیری قرار داشت که زمانی یک باغ

" خب ، نمیشه که همینطور یذ اریمش
 اینجا ."
 " بهتره بریم از توی فروشگا تلفن کنیم یک
 آمبولانس بفرستن ."
 " باشه ، تو اون ها رو د یذ ؟"
 گوش کن رفیق ، من هیچی ند یذ ، فهمید
 مرد ؟"
 " خیله خب ، بیائین بلند ش کنیم ، لید
 فردی ! شما ها پا ها ش رو بگیرین ، سامی ، تو
 هم بیا کمک کن ، من و پوینتزم با زوها ش رومی -
 گیریم ."
 چوکر همان طور خونین افتاد بود و توی
 دلش می گفت : " مرد ه شور همه تون رو بیره ... "
 بعد احساس کرد با خشونت بلند ش می کنند
 و فکر کرد که چه مصیبتی است آدم ناگهان نا قدر
 ضعیف بشود ، او را به زور حمل می کردند و او
 همان طور فحش میداد و لعنت می فرستاد ، یگو
 از آنها خندید و گفت : " یا مسیح مقدس واقعا
 که هیگل کند ما ی د اره ."
 چوکرا بیک حیاط خلوت بردند و زیر
 سایبان خوابانند ، آنجا خنک تر بود . د ر
 گوشه ای انبوهی از اشیاء اوراق و بی مصرف به
 چشم می خورد : یک لاستیک کهنه ، تو مو بیل ،
 انواع مختلف بطری های خالی ، جعبه های

یک قصه از آفریقای جنوبی

پتو

نوشته : آلکسی لاگوما (برنده جایزه لوتوس سال ۱۹۶۹)
 ترجمه : م . فرنوش

زن همانطور نیمه خواب زیر پتو چرخید و
 حرفهایی اعتراض آمیز زد ، چوکر فحش داد
 صدای عذاب آورنده تخت خواب ، بچه ای را که
 توی یک لگن ، پایین تخت خواب بید بود ، بیدار
 کرد ، بچه شروع کرد به گریه کردن ، د هان بی -
 د ندانش باز شد و شیونی سرد داد که د یگراز
 آن بلند تر ممکن نبود .
 چوکر لبه تخت نشست و توی دلش به زن
 و بچه ، هرد و فحش داد ، بعد از خود ش
 پرسید که آخرا با زن یکی د یگر روی هم ریخته
 است ، آن هم زنی که یک بچه لعنتی هم دارد .
 و بچه ها نظورتوی لگن عریذ می کشید .
 " آه ... " ، چوکر با عصبانیت به بچه
 تشرزد ، زن آشفته حال بید ارشد ، سرش را از
 روی بالش کثیف بلند کرد و با لحن سوزناک
 گفت : " آنقد رسور صد ارا ما ند اختی که بچه رو
 بید ار کردی ."
 چوکر با عصبانیت گفت : " د ر د هنت رو
 ببند ، بلند شو بچه لعنتی برس ."
 بعد برخاست و د ر تخت بهد نیبال
 پیراهن و شلوارش گشت ، زن پرسید : " د اری
 میری ؟"
 " معلومه که میرم ، خیال کردی می مونم بوه
 این صد اید لنوا ز گوش می دم ؟"
 زن با د لخور ی گفت : " خب ، چکا رمی تونم
 بکنم ؟ تو که می د ونستی من بچه ارم ."
 بچه ها نظور عریذ می کشید ، چوکر د ر
 حالیکه شلوارش را می پوشید و د که پیراهنش
 را می بست زیر لب گفت : " بچه ! مرد ه شور هر
 چی بچه س بیره ."
 زن با لحن ملایم تری پرسید : " بر میگردی ؟"
 " شاید برگردم ، شاید هم نه ، نمی د ونم ."
 زن گفت : " گوش کن ، وقتی بر می گردی
 مواظب باش ، نمی خوام شوهرم ببینه تومی آبی
 اینجا ، الا ن هم شک کرده ، ممکنه کار ی
 د سنت بد ه ."
 چوکر پوزخند یزد و گفت : " اون کار د ستر
 من بد ه ؟ خدا یا ، من با همین دستهای خالی
 - ام د و تگا ش می کنم ."
 خندید و با آن هیگل عظیم وسط اطفا
 ایستاد ، مرد د رشت هیگلی بود ، دستهای
 بزرگ داشت و عضلاتش به توده د ره هم
 پیچید ما ی ز مفلول های پولا دین می مانست .
 خشن و سنگدل بود و از دستهای بزرگ و قوی
 بیشتر برای آرزو د یگران استفاده می کرد تا

بود ، چند لحظه با ولع نوشید ، بعد بصورت
 خود آب زد و با آستین پیراهن آنرا خشک
 کرد ، با خود ش فکر کرد که " مرد ه شورش بیره
 اگه با زهمه اون اشغال د ونی برگردم خدم م
 میرسن ."
 د رو برش زد ، یف خانه های کهنه د رهم
 فشرده و زانگه های که با جعبه و تخته و حلبی
 ساخته شد ، به چشم می خورد ، سگها و مرغ
 و خروس ها د میان علفهای هرزه می گشتند .
 چوکر بی هدف به خبا ننها و کوره های
 و پیرا نهد ، مرد می که ورامی شناختند یا از
 او اجتناب می کردند و یا سلامی میدادند و
 زود رد می شدند ، او بهلا شه های شناور ، به
 کشتی نفرین شد ، می مانست که از میان خزه
 های گندید میگذرد .
 چوکرا زمین زمینی که د ورش را د یوار کشید
 بود ند رد می شد که آن سمرد به سرعت از پشت
 سرش وارد شد ند ، یکی شان فریاد کشید ،
 " خود شه ، " و قبل از آنکه چوکر بتواند بچرخد ،
 د رد به شکل تیغه های سیخ و داغ بد نش را
 سوراخ سوراخ کرد ، او را د رسورتنش تقریبا
 همزمان احساس کرد و د رحالیکه لعنت می -
 فرستاد به زمین افتاد ، آنجا حتی نم اند ند تا
 زخمهایش را و ارسی کنند و یا د ویا رها و ضربه
 بزنند ، بلکه به سرعت از د رو بر آن دست های
 که به چنگک های آهین می مانست د ورشد ند
 او را خونین میان جاد هرها کرد ند .
 چوکر وسط جاد ه افتاد بود ، د رد می -
 کشید و چکه کردن خون را روی پوستش احساس
 می کرد ، میخواست برخیزد ، اما پا هایش اصلا
 حرکت نمی کردند و دست هایش قدرت بلند
 کرد ند ند نش را ند اشتند ، د راز کشید م بود و
 توی دلش لوجان نه مهها جین لعنت می -
 فرستاد ، د رهمن اثنا جمعیت گرد او جمع
 شد ، همما هیجان حرف میزد ند .
 " هی ، من که به شدت ندی زدم ."

بسته بندی شده ، و یک تابلوی لعابی با حروف
 برجسته که جا به جا به پیش ریخته و خطوط
 مثل نقشه جغرافیای سیارات د یگر بوجود
 آورد م بود و بالا خر قباک خاک گرفتیم
 تخت خواب ، د ر ضمن بوی خاک و فاصله مرغ هم
 می آمد .
 از بیرون ، از آن سوی هرم زرد رنگ آفتاب
 عد ای همهم می آمد ، چوکر چشمهایش را باز
 کرد ، طول بد نش را از زیر نظر گذراند و از یک
 جفت شست زشت پا هایش هم گذشت تا
 تا توانست پا های زن ان و مرد انی را که با شلوار -
 های ژند ه و جورا بهای د رفته ایستاد م بود ند ،
 ببینید ، مرد می گفت : " بزدلی کردن ... "
 از پشت ...
 " آره ، اما بین این هم با د یگرون چکار
 کرده ، مگه نه ؟"
 چوکر فکر کرد : " مرد ه شور این جعبه ها رو
 بیره ، مرد ه شور همه شون رو بیره ."
 یک پتوی کهنه روی چوکرا ند اخته بود ند
 پتوبوی عرق و خاک می داد ، تا بحال شسته
 نشد م بود ، لک و بیس داشت و پا رهنوخ د رفته
 بود ، با انگشت های کلفت و چرکش پتوی کهنه
 را لمس کرد ، جنس آن د ر بعضی از قسمتها
 ضخیم بود رجا های که سایید ه شد م بود ، نازک
 بود ، چوکر با این نوع پتو عادت داشت .
 چوکر سه بار ضربه خورد م بود و هر سه بار
 از پشت ، یکی د سرش ، یکی میان شانه ها
 و یکی د یگر طرف راست بد نش ، خون ریزی بند
 آمد م بود و د رد شدید نبود ، چوکرا زمین د رگا
 که انگار از د ورد ست ها وجود داشت ، پا
 خود ش فکر کرد که قبلا هم چاقو خورد ه است اما
 نه با این شدت ، حالا د راز کشید ه منتظر
 آمبولانس بود ، خون روی صورت مسی رنگش
 خشک شد م بود و سرش د رد میگرد .
 همهمه ، گا مو بیگا تبدیل به خنده های
 بلند می شد ، که آن بیرون جای د ورد ست ها

می ترکیب ، پاها روی زمین سخت حیاط د رفت
 و آمد بود ند و صورتی شبیه بیک سگ تمبوهای
 رنگ که کلاه های پارچه ای روی سرش گذاشته
 باشد ، ظاهرا هشد .
 " حالت که خوبه چوکر ؟ الا ن آمبولانس
 می رسه ."
 " گورت رو ... " صدای چوکر شکست .
 صد اخند هکنان د ورشد : " ای چوکرا ای
 چوکر ."
 صدای د یگری گفت : " اون د ارود سته
 خیلی وقت بود که منیش رومی کشیدن ."
 " آره ، ولی چوکرا هل چاقو نیست .
 همیشه از دست ها ش استفاده می کند ."
 " خلاصه خیلی بد آورد ."
 چوکر فکر کرد که ، مرد ه شور شان ببرد ، حالا
 احساس خستگی می کرد ، انگشتان سخت و
 چنگک مانند ش که به گیره های آهنی رنگ زد ه
 می مانست روی زمین چروکید ه پتو به حرکت د ر
 آمد ند .
 او را از میان یک حیاط خیس و قیر اند ود می
 برد ند ، پنجره های که میله داشتند و توره
 سیمی محکم رویشان را پوشاند م بود مشرف به
 حیاط بود ند ، آنجا بوی د وای ضد عفونی کننده
 می داد و یک د سته کلید سنگین د ر دست
 قلاب شد ه ، نگهبان جرینگ جرینگ میکرد .
 به اطاقی رسید ند که برافس بود و قفسه
 - ها پرا پتو بود ند ، نگهبان گفت : " د و تا ش
 را برد ا رضوی . " و چوکر شروع کرد به گشتن د ر
 میان انبوه پتوها تا کلفت ترین و گرمترین شان
 را بید کند ، اما نگهبان که صورتش شبیه به
 سگ بود و یک کلاه پارچه ای کهنه به سر داشت
 خندید ، او را به کنا ری هول داد و د و تا پتورا که
 د مد ست بود برداشت و به طرف او پرت کرد .
 پتوها چرک و بویناک بود ند ، میان تا خوردگی
 - ها شان شپش ها د سته د سته مثل سربا زانو
 که د رکمن با شند ، منتظر حمله بود ند .

" یا الله ، یا الله ، خیال کردی من نا قدر
 وقت دارم که تلف کنم ؟"
 چوکر گفت : " آخه سرد مبرد ، سرد ه ... "
 اما این ها را به نگهبان نمی گفت ، شش
 سالش بود و براد رش و پلی کیک سال از او بزرگ
 - تر بود و توی آن تخت تنگ و با ریک و گود رفته
 با هم شریکی می خوابید ند ، غلطی زد و چرخید
 و پتوی پنجه ای نازک را از روی چوکر کشید ، آن
 بیرون ، با ران به پنجره های که با مقوا پوشید ه
 شد م بود ند می کوبید و یا د از میان د رزها و
 شکافهای پنجره تومی آمد ، زوزه اش مثل نفس -
 های بیرمرد بود که مرض آسمد اشتها شد .
 " نه پسر ، هی ویلی ، عوضی ... تو همه
 پتوروی خودت کشیدی ."
 چکا رکنم پسر ، سرد مه .
 " پس من چی ؟ " چوکر نا له کرد .
 " من هم سرد مه پسر ، سرد مه ."
 بچه ها ، زیر پتو ، مثل قطعات بی شکلی که
 د ریک بازی کود کانه همهمی چسباند تا شکل
 مشخصی بوجود آید ، بهمکد یگر چسبید ند و د ر
 آغوش هم قرار گرفتند .
 موهای زبرزن که بوی روغن ماند می داد ،
 نوید هانش رفته بود ، روی بالش لکه های بزرگ
 و سیاه می که جای سربود و روزلب مالید ه شد که
 به : خم جوش نخورد های می مانست به چشم می -
 خورد .
 زن د رخواب و بید اری می گفت : " د یذی ؟
 د یذی ؟ چی بهت گفتم ؟ " بد نش زیر پتو مرطوب
 و عرق د اری بود و پتوبوی عطرا زان قیمت ، بود ر ،
 اد را روفضله مرغ می داد .
 پرده رنگورورفته با نسیم د اغ تنگ می خورد و
 انگار رها و شا رمی کرد ، زن غرغرنکا زبریتو
 غلطی زد و چوکر نشست ، صدای عذاب آور
 فنرهای تخت خواب ، بچه را که توی یک لگن
 حلبی ، روی زمین خوابید م بود بید ار کرد ، بچا
 بقیه د رصفحه ۷

مسائل جبهه متحد...

اعمالی تعدنی اصل و باستانی کنیرو حیاتی خود را به غمگینانها استعما را استعما ری حفظ کرد مبود، برخاست ۰ در آموزش گانندی، عنان صفر و اونی بود که با آرمای نهایی کمونیسم علمی مغایرت داشت و با متد اولترین مفاهیم پیشرفت و ترقی در قرن بیستم متفوت بود گانندی در عصر انقلاب تکنولوژیک و صنعت گسترده حکم بر حکومت ما شین می داد، علیه، بد رافشانی تمدن اروپا که او هریمیش می خواند در رخا ک هند فریاد اعتراض سر میداد و مرد مرا به بازگشت از عصر سیاه شهرهای بزرگ، حرص و آز تکنولوژی امروزین به زندگی ساد مجامعات روستایی، به اقتصاد بسته و خود کفای شترکی مبتنی بر خیش و چرخ ریسنده گی، متکی بر آمیزه زراعت و صنایع خانگی فرامی خواند ۰ گانندی در عصر گسترش جهان بینی علمی ما تریا لیستی در جنبش اجتماعی و ملی، اصول دینی را شالوده هرگونه مپا ززه اجتماعی و ملی اعلام میکرد که مپا میزد هی را در ریطن جز جز بر نامه اجتماعی و سیاسی خود می نشانده ۰ در وره مپا ززه تود های انقلابی که پس از جنگ اول جهانی و انقلاب سوسیالیستی اکتبر سراسر جهان را فرا گرفت، گانندی شعرا کمال اخلاقی فرد را عرضه می کرد و آنرا سرچشمه نیرویی می شمرد که بزعم و مشکل گشای مسائل اجتماعی هند بود ۰ در ریحوبه و خامت نیسا بقه بوسط مپا ززه طبقاتی، گانندی اندیشه صلح طبقاتی و امحاء نابرابری اجتماعی از راه برقراری روابط قیومیت میان طبقات ممتاز و مستمید مپا موعظه می کرد ۰ هنگامی که حیثیات سیاسی که سزنا را از اشکال افراطی مپا ززه طبقاتی و ملی بود، به سرعت خصلت بنیاد بی خود می گرفت، گانندی پرچم آرمای نهایی عدم خشونت عشق به دشمن و ضرورت بازآموزی اخلاقی او از طریق ایثار بی حد و حصر مرد مپا می در رینند را می افراشت ۰

ارزیابی سیاسی نقش گانندی یسم بسیار دشوار تر بود، زیرا گانندی هم تفکری تخیلی بود که سنتها را در هفانان پد رسالا رهند را جذب کرد مبود و هم سیاستمدار هشیار و پادشاه کاتوتی که مفعالیست خود را با رهبری بورژوازی کنگره ملی هند مرتبط ساخته و واقع در راس این حزب سیاسی بورژوازی قرار گرفته بود ۰ این دو وجه مختلف فعالیت گانندی این دو تصویر متفوت گانندی یسم در عین حال که مپا نهاییست متضاد بود، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشتند ۰ به همین دلیل بود که گانندی چنین نقش برجسته ای در جنبش آزاد بیخشی هند ایفا کرد ۰

آمیزش فلسفه کهنه و قرون وسطایی گانندی با روشهای رفورمیستی ملی رهبری کنگره ملی هند، در رک اهمیت واقعی گانندی یسم برای جنبش آزاد بیخشی کشور را برای آند سنه از رهبران سیاسی انقلابی که به جنبش کمونیستی تعادل داشتند، دشوار تر می ساخت ۰

اعتدای انقلابی، و کامیابی های کمینترن در نخستین سالهای فعالیت خود، گروه وسیعی از انقلابیون (بویژه از کشورهای مستعمره) را جلب جنبش کمونیستی کرد که از آموزش نظری و عملی بهره کافی نداشتند ۰ آنها ناشکیبایی انقلابی از خود نشان می دادند و طبعا می خواستند انقلاب سوسیالیستی را هر چه سریعتر بر سر برسانند و در این میان گاه شرایط تاریخی و لزوم کار منظم تو انفرسا بمنظور آماد مکردن تود ها و بریدن سوسیالیسم میان آنها را از یاد می بردند ۰ شور و شوق چپ گرایان شان در طرز تلقی آنها از جنبش آزاد بیخشی ملی نیز آشکار می شد ۰ اما این امر در مرحله اولیه، تأثیر جدی بر فعالیت کمینترن نداشت زیرا رهبری جنبش کمونیستی و کمینترن با لنین بود که پیگیرانها هرگونه انحراف مخالفت می

مبارزه کمینترن علیه نظرات چپ گرایانه سکتاریستی م.ن. روی

د رکنگره ۰ م کمینترن که برای اولین بار به بحث در باره مسائل مستعمراتی و ملی پرداخت، لنین به مخالفت با نظرات کمونیست هند می نمود ۰ م.ن. روی برخاست ۰ لنین از اندیشه وحدت کلیه نیروهای ضد امپریالیست و لزوم حمایت فعالانه از جنبش بورژوازی ۰ در مکر تیک ملی دفاع می کرد ۰ روی بر عکس، بمغلط فرض می کرد که گویا تضاد های آشتی ناپذیر طبقاتی میان بورژوازی کارگران و هفانان امکان تشکیل جبهه متحد این طبقات در مپا ززه آزاد بیخشی ملی ضد امپریالیستی را منتفی می سازد ۰ او رشد و پختگی طبقه کارگر (هند) را بر مپا می داد و مپا ززه علیه رهبری بورژوازی ناسیونالیست جنبش ضد امپریالیستی را تبلیغ می کرد ۰ روی با اعتقاد به این که این رهبری آشکارا غیر انقلابی است، سازماندهی یک جنبش آزاد بیخشی مستقل به رهبری کمونیست ها را تشویق می کرد ۰

نظرات روی نمونه انحراف چپ گرایانه سکتاریستی است ۰ برنامه شبه انقلابی او به دلیل ضعف طبقه کارگر و جنبش کمونیستی هند نه تنها در دهه ۱۹۲۰ بلکه حتی سالها بسیار پیش از آن هم غیر واقع بینانه بود ۰

مباحث میان لنین و روی پیرامون مسائل تئوریک و مشخص جنبش آزاد بیخشی ملی، بخصوص جنبش ملی هند، در ور می زد ۰ گانندی یسم، ارزیابی نقش مقام آن در مپا ززه ضد امپریالیستی از جمله این مسائل بود ۰ روی در کتاب خطرات خود ارزیابی لنین از فعالیت گانندی را شرح داد ۰ هاست ۰ او می نویسد: ۰ اختلاف اصلی بر سر نقش گانندی بود ۰ لنین معتقد بود که گانندی در مقام الهام بخش و رهبری جنبش تود های انقلابی است ۰ من برای با وری بود که او در مقام احیا کنند مسند دینی و فرهنگی نمی تواند از لحاظ اجتماعی ارتجاعی نباشد، ولو از نظر سیاسی انقلابی باشد ۰

عملی ساختن پیشنهاد های لنین در هند که رکنگره ۰ م کمینترن مطرح شد و در تزه های مشهور او در باره مسائل ملی و مستعمراتی انعکاس یافت، با دشواریهای عینی و ذهنی قابل ملاحظه ای مواجه شد ۰ مقام برجسته حزب کمونیست هند، س.گ. سردسای می نویسد که م.ن. روی در آن زمان توانا سالها بعد برجسته ترین و آگاه ترین کمونیستهای هند در داخل و خارج کشور بود ۰ روی به واسطه موقعیتش که در کمینترن مفسر و مورخ اصلی تصمیمات کنگره و مپا ززه هند بود ۰ هر عین حال، او حاضر نبود از نظراتش که در مباحث با لنین از آنها دفاع کرد مبود، دست بکشد ۰ بنا بر این، در رساله های کمینترن دیدگاه لنین را مشخصا می پذیرفت، موضع روی این بود که گارایه کمینترن را تا سرحد امکان با نظرات خود آشتی دهد و از سوی دیگر بکوشد موضع کمینترن را تحت نفوذ خود در آورد ۰ او در تزه های خود در باره نقش بورژوازی ملی و گانندی یسم در جنبش آزاد بیخشی تنها نبود ۰ هرا ز چند طرفداری در جنبش کمونیستی نوحا سته هند و در کمینترن می یافت، این امر تا آند ازهای این واقعیت را توضیح می دهد که چنانچه فعالیتها جنبش کمونیستی نوپا هند و برخی کشورهای دیگر خاور همیشما مشوا استراتژیک کنگره و کمینترن وفق نمیداد ۰

نخستین کوشش در جهت تشکیل حزب کمونیست هند در رسال ۱۹۲۰ ابعمل آمد ۰ در سال ۱۹۲۱ کمونیست ها فراخوانی را خطاب به سوسیالیستین اجلاس سالانه کنگره ملی هند

د واحد آباد صادر کردند ۰ آنها در این سند تأیید کردند که کنگره می تواند نقش رهبری را در جنبش استقلال یفا کند و در عین حال تأکید کرد که کنگره برای اینکه حمایت تمام مردم را جلب کند باید مطالبات اتحادیه های کارگری و انجمنهای دهقانی را در برنامه خود بگنجانده ۰ هدف فراخوان کمونیستها این بود که جنبش عدم همکاری را در رست در لحظه ای کمی رفت تا وارد مرحله تعیین کنند ۰ خود، یعنی مرحله امتناع جمعی دهقانان از پرداخت مالیات به مقامات استعماری بریتانیا، شود، گسترش دهند ۰ کنگره به این فراخوان پاسخ نداد، زیرا قصد آن را نداشت تا جبهه مپا ززه آزاد بیخشی را گسترش دهد و مطالبات زحمتکشان را بر آورد ۰ سازد ۰

یک سال بعد، هنگامیکه کنگره برای اجلاس همیشه خود، در ریبی شکست جنبش ملی در گایا اجتماع کرد، کمونیستهای هند با زهم فراخوان دیگری را خطاب به کنگره صادر کردند ۰ این فراخوان که توسط م.ن. روی نوشته و در ارگان کمونیستهای هند، پیشاهنگ، منتشر شد مبود، در میان نمایندگان کنگره توزیع شد ۰ برنامه پیشنهادی کمونیستها علاوه بر مطالبات مربوط به استقلال کامل کشور، محور بزرگ مالکی، ملی کردن کلیه بنگاه های عمومی، سهیم شدن کارگران در رسورد بنگاه ها و تسلیح خلق برای دفاع از آزادی ملی را طلب می کرد ۰

این برنامه منتهی توانست مورد پذیرش کنگره واقع شود و نه می توانست شالوده های باشد برای همکاری کمونیستهای هند و سازمان بورژوازی ضد امپریالیستی که در مپا ززه علیه سلطه بریتانیا در میان تود های وسیع مردم نفوذ سیاسی تقریبا مطلق داشت ۰ ارائه مطالبات اجتماعی حد اکثر زحمتکشان که از محدود و انقلاب بورژوازی مکر تیک آن زمان فراتر می رفت، زمانی که هند نه تنها مارکسیست ۰ لنین نیست متفقدی داشت و نه جنبش کارگری مستقل، زمانی که تا مین سر سر کردگی پرولتاریا در جنبش آزاد بیخشی ملی غیر ممکن بود، صرفا تضاد های درون جبهه ملی ضد امپریالیستی را بطور مصنوعی تشدید می کرد و در این می زد و گروه کوچک کمونیستها را به انزوای کشاند ۰ روی مپا ززه را در باره د و جنبش آزاد بیخشی مختلف دنبال می کرد و امکان نزدیکی آن در برابر اساس اشتراک منافع معینی رد می کرد ۰ بنا بر این هرگونه اشاره همکاری را بکنگره در واقع به این معنی بود که از کنگره خواسته شود تا مواضع کمونیست ها را بپذیرد ۰ و از آنجا که این امر تعلق به مجال بود، برای کمونیستها فقط این می ماند که ما هیت ارتجاعی کنگره را افشا کنند ۰ این مشی زیر نفوذ آید تولوژیک روی بود که معتقد بود پیشاهنگ کمونیست باید از همان ابتدا در راس جنبش ملی قرار بگیرد ۰

در میان مدارکی که در محاکمه کمونیستها در رسال ۱۹۲۴ در کانپور برجستگی خاص داشت، نامه روی به س.ا. ۰ اناج بود ۰ روی در این نامه اعتراف می کند که حتی انتظار نداشته کنگره برنامه ما را بپذیرد و اینکه هدف از ارائه برنامه این بود که ما توانی کنگره را در حمایت از مطالبات انقلابی نشان دهیم و این طریق مطلقا آشکار سازد که حزب تود های نوینی با رهبری پرولتاریا می تواند ایجاد شود ۰

روی مواضع خود را در اثرش بنام تحول هند از لحاظ تئوریک مستدل ساخت ۰ تلقی روی حوامیانش از جنبش آزاد بیخشی ملی هند و گانندی یسم همچنین در یک سلسله مقالات منتشر شد ۰ رنشریات (برخی از این مقاله ها را همسر روی اولین روی نوشت) و در کتاب یک سال بعد همکاری نوشته روی و همسرش منعکس

شد هاست ۰

روی که به رشد سرمایه داری در هند پسر بهای می داد، مدعی بود که انقلاب بسوزر و آرد مکر تیک دیگری در این کشور رد ستور کار قرار ندهد ۰ بورژوازی ملی در موقعیتی نیست که بتواند جنبش آزاد بیخشی را رهبری کند، هر چند که در اتحاد با تود ها و تکیه بر آنها جهت مبارزه و تقویت آمیز علیه استعمارگران بریتانیا پذیرفته است ۰ هراس بورژوازی ملی از روحیه انقلابی تود ها آنرا به بی تصمیمی، تزلزل و خیانت به منافع ملی محکوم می سازد ۰ او از این مواضع به گانندی یسم می نگریست و آنرا ناپذیر تولوژیک بورژوازی، که آید تولوژی خرد بورژوازی توصیف می کرد ۰ اما او بر اساس این برداشت خود که جنبش ملی خصلت بورژوازی ۰ مکر تیک ندهد، چون علیه سرمایه داری خا رچی مبارزه می کند و نه علیه فئودالیسم، هیچ اهمیت انقلابی برای خرد ه بورژوازی که احساسات و منافعش با گانندی یسم بیوند ارگانیک داشت، قائل نبود ۰ روی معتقد بود که گانندی یسم خرد بورژوازی سر نوشت خود را با ارتجاع گره زده اند و نه مپا مپا ززه آزاد بیخشی ملی و اینکه آنها حتی پیش از بورژوازی ملی از جنبش انقلابی ملی فاصله می گیرند ۰ او در رسال ۱۹۲۳ نوشت: ۰ خرد ه بورژوازی ارتجاعی و ور شکسته رسایست ۰ ۰ ۰ خیلی مشتاق بود خود را از نفوذ خطرناک و عامل انقلابی جنبش ملی، یعنی، بورژوازی مترقی و پرولتاریا مبارزه جو، برهاند ۰

معلوم نیست چه چیزی باعث شد تا او این ارزیابی را از نقش خرد بورژوازی در جنبش ملی به عمل آورد ۰ شاید دلیلش این بود که به خصلت عینا انقلابی آرمای نهایی تخیلی دهقانی اعتقاد نداشت و در رک نمیکرد که گاه اتفاق می افتد که اندیشه های محافظه کارانه دهقانان در شرایط خاص یا انکشورزراعتی که تحت ستم استعمارگران واریا با نفوذ ال است از امکانات انقلابی قابل ملاحظه ای برخوردار می شود و اینکه این اندیشه ها به هر حال از مفاهیم سنتی بورژوازی، مکر تیک ترند، هر چند که این مفاهیم بی تردید از پدیدهای نوین اجتماعی بورژوازی و نه از گذشته محکوم اما جان سخت نشأت گرفته اند ۰ به هر صورت تشخیص روی مبنی بر خرد بورژوازی بودن ماهیت گانندی یسم مانع از آن نمی شد که او آنرا نه تنها با بورژوازی، بلکه همچنین با ارتجاع فئودالی "پیوند" دهد و آنرا "حاد ترین و نوینانه ترین عارضه نیروهای ارتجاعی" بخواند ۰ او با این کار فقط نا پختگی تئوریک و سیاسی خود را بروز می داد ۰

روی جنبه های ضد سرمایه داری آید تولوژی گانندی یسم را ناشی از تعادل پیروان آن به فئودالیسم می دانست و نه مکر تیک ۰ او صداقت آرمای نهایی بشرد و ستانه گانندی را مورد تردید قرار می داد و با این کار عینی را با ذهنی و طرحهای تخیلی در گرونی اجتماعی را با برنامم مشخص عمل سیاسی در هم آمیخت ۰ روی می نویسد: ۰ این غریزه منیر و مند حفظ حقوق مالکیت بیش از هر چیز و بستگی طبقاتی گانندی را برغم خشم و خروش پر هیز کارانه و علیما تریا ۰ لیس فرورما یه تمدن امروزین آشکار می سازد ۰ بدیهی است که خصومت او با جامعه سرمایه داری انقلابی نیست، ارتجاعی است ۰ او به تقدس مالکیت خصوصی ایمان دارد، اما می خواهد از تحول ناگزیر آن به سرمایه داری ممانعت کند ۰ روی در نتیجه افراط در انتقاد از نظرات کهنه گانندی یسم تخیلی اجتماعی او، آنچه را که قصد مبود تا بدیه می گرفت و آن این بود که گانندی یسم امپریالیسم استعمارگران و تسلط آنها بر هند قویا مخالفت می ورزید ۰

ادامه دارد

بقیه کمپلکس

اروپا در جنگ اول جهانی هدفهای ایالات متحده آمریکا را از زور و به عملیات جنگی ۱۹۱۷ برای زیر دستانش چنین تشریح کرد: پرشینک به خاطر اروپاییها با اروپا نموده بلکه فقط به خاطر آمریکاییها به این منطقه گام نهاد ما است، زیرا خط جبهه دفاع آمریکا از اروپا میگذرد، جز آمریکا همه چیز را از یاد ببرید.

امروز پس از ۶۰ سال، آنها میگویند که آن سوی اطلالتیک میگویند سلاحهای جدید هسته ای را با نام آن ژنرال جنگجو را اروپا یا حتی مستقر سازند، اشکارا از همان اندیشه ها الهام میگیرند. استقرار این سلاحها در اروپای غربی نمیتواند امنیت اروپا بلکه قبل از هر چیز به هدفهای نظامی و سیاسی ایالات متحده آمریکا که شدیدا به زبان منافع واقعی ساکنان این کشورها و سراسر این قاره است، خدمت می کند. این اقدام گام جدیدی در راه توسعه مسابقه تسلیحاتی است که صرفا به سود کمپلکس نظامی - صنعتی است و. . .

میلیاردها دلار به جیب آنها سرازیر میسازد. چنانکه برای اجرای این طرح ۵ میلیارد دلار هزینه پیش بینی شده است. روزنامه فرانسوی که در این باره استناد به منابع خاطرنشان میسازد که استقرار ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ موشک اتمی در اروپا یک معامله طلایی برای صنایع آمریکا است. به عقیده روزنامهها بین چشم انداز برای انحصار ایالات متحده آمریکا است که همه قوا پیشا را برای انعقاد این معامله جدید و افسانهای ترن برانگیخته است.

اتحاد انحصارات و دارو سته نظامی در دوران دستگا ده ولتی مضمون اساسی کمپلکس نظامی - صنعتی است. کمپلکس نظامی - صنعتی پدیدهای اجتماعی است که مرحله کنونی رشد سیستم سرمایه داری پیوند نزدیک دارد و جنبه های اساسی میلیتاریسم معاصر را نشان می دهد. انحصار و دارو سته نظامی هسته کمپلکس نظامی - صنعتی را تشکیل می دهد.

در حقیقت، کمپلکس نظامی - صنعتی و گروه های مربوط به آن یک منظومه را تشکیل می دهد. گروه های وابسته به این منظومه عبارتند از: اعضای پارلمان باگرایش های نظامی، سیاستمداران افراطی راست، تئوری - پردازان متخصص در روابط بین المللی، شبکه های زمراکز پژوهش های علمی، رهبران مرجع سندیکاها و رسانه های گروهی بورژوازی.

قدرت وسیع کمپلکس نظامی - صنعتی ایالات متحده قبل از هر چیز محصول سمت گیری سیاسی بخش مهمی از محافظ رهبیری آمریکا بر اساس رفتار "از موضع قدرت" است. این محافظ برتری نظامی بر اتحاد شوروی و سایر اعضای پیمان نورشورا هدف خود قرار داده اند حتی از ناکامی ماجراجویی ایالات متحده آمریکا در رویتنام برای توسعه مواضع کمپلکس نظامی - صنعتی در رسیاست، اقتصاد و ایدئولوژی استفاد شده است. در ایالات متحده آمریکا غالبا این سخنان بگوش میرسد که ملاحظات سیاسی مانع از فعالیت ژنرال - های پنتاگون در رویتنام و پیروزی آمریکا در آنجا شده است. از این رو اصرار دارند که در مسایل سیاست نظامی اختیار را موره دست رهبران نظامی سپرد شود.

فعالیت نیروهای ضد تشنج زدایی مخصوصا در کارزار تبلیغاتی ایالات متحده آمریکا علیه تصویب قرارداد محدود کردن تسلیحات استراتژیک تعرضی (سالت ۲) به چشم می خورد، کارزار که برخی سنا تورها

اشکارا به عنوان سخنگوی کمپلکس نظامی - صنعتی دولت را به تفویض اعتبارات بیشتر برای مسابقه تسلیحاتی تشویق میکنند سنا تور پ. تسونگا س. د ریخت راجع به موضع کمپلکس نظامی - صنعتی آمریکا گفته است: " آنها دست به حمله و قیاحانه ای زد ما ند: تسلیحات جدید در عرض کنترل تسلیحات".

با این که ایالات متحده آمریکا کشوری است که در آن کمپلکس نظامی - صنعتی سابقه در پرین دارد و رجال حاضر با دامنه بی سابقه ای روبرو است، تنها منحصر به این کشور نیست. چنانکه در آلمان با ختری اتحاد نیرومندی بین میلیتاریست ها و خدایان صنایع بزرگ جنگی - هسته مرکزی آنرا کنسرسیوم های ای و اریا تشکیل می دهند. وجود دارد، اتحاد ای که با همه ایتکارات واقع - گرایان رسیاست دولتی و گرایشهای مربوط به تعمیق تشنج زدایی در اروپا مخالف است. محافظ میلیتاریستی بریتانیا از مسابقه تسلیحاتی در سازمان پیمان اطلالتیک شمالی فعلا نه حمایت کرد هود رمن با زار مشترک طرح های خطرناکی را برای تشکیل گروه بندی جدید مجهز به سلاح های بالستیک هسته ای پیشنهاد می کنند. این بنوبه خود به فعالیت میلیتاریست های محلی و سازندگان سلاح ها که برخلاف قانون اساسی در زمینه منوعیت جنگ کشور را به توسعه طلبی سوق می دهند، روی خوش نشان می دهد.

در عصر ما نوع دیگری از میلیتاریسم وجود دارد که برای بشریت فوق العاد خطرناک است. سیاست حاد نهجوبانه رهبران چین در نظامی کردن تمامی کشور در این سمت حرکت می کند. این سیاست وقوع یک جنگ اتمی جهانی را با صد ها میلیون کشته پیش بینی و استقبال می کند و با سیاست ارتجاعی ترین نیروهای امپریالیستی به ویژه با سیاست مخطوط - آمیز نظامی استعمار زوی پیوند می یابد تجا وز به پنتاگون سوسیالیستی در ربهرا ۱۹۲۹ از طرح استیلا گران نهوخیا نت آمیز رهبری فعلی چین در انظار رجه نیا نبرد مبرداشت.

امروز انحصارات آمریکا در پیوند با صنایع تسلیحاتی چنان نیروی قدرتمندی را تشکیل می دهد که ریبست سی سال اخیر سابقه ندارد. این امر پویایی تغییرات سرمایه انحصاری ایالات متحده را منعکس می سازد و گرایش به افزایش دانی قدرتش شرکت های پالانسبه جوان را نشان می دهد که همواره توان و نیروی بیشتری می یابند و فعالیتشان بطور اساسی در رقلع و تولید سلاح های مدرن متمرکز می شود. این انحصارات نماینده صنایع فضایی، الکترونیک، اتمی و شاخه های جدید دیگرند که فعالیت شان در عمل معطوف به اجرای سفارشات پنتاگون است. اگر ما این صنایع را با صنایع جنگی و مین جنگ جهانی ونخستین دوره پس از جنگ مقایسه کنیم، خواهیم دید که امروز انحصارات صنایع جنگی گسترش وسیعی یافته و از ایسا ساختار سازمانه کیفی جدیدی هستند و با وزارت دفاع و سایر ارگانسیم های دولتی و شننگن روابط محکم دارند. این انحصارات را باید منشأ گرایش - های تجا وزکارانه رسیاست بین المللی ایالات متحده دانست. فعالیت آنها ناگزیر با مسابقه تسلیحاتی، تشدید و خامت اوضاع جهان و تحریک برای رویی ها پیوند نزدیک دارند.

کنسرسیوم های صنایع جنگی پیشا هنگ روند گسترش سرمایه داری انحصاری دولتی در ایالات متحده هستند. لنین در رگفتگواز ویژگیهای تولید تسلیحات نشان داد که معاملات در صنایع جنگی بد و نپشتیبانی دولت نمی توانند وسیعا گسترش یابند. هنگامی که سرمایه داران برای دفاع ملی یعنی برای دولت کار میکنند، واضح است -

مانه با سرمایه داری ناب، بلکه با گونه ویژه ای از اقتصاد ملی روبرو هستیم. سرمایه داری ناب تولید کالایی است. تولید کالایی، کار برای بازار آزاد و نامعلوم است. بنا بر این، سرمایه داری که برای دفاع ملی کار میکند به هیچ وجه برای بازار کار نمی کند بلکه بنا به سفارش دولت و حتی بیشتر اوقات با پولی که دولت به شکل اعتبار ریه می دهد، کار می کند. (ولنن آثار، ج ۲۵ ص ۶۷)

واقعاً در هیچ شاخه دیگر اقتصاد، شرکت مستقیم خزانه دولت تا به این اندازه اشکار نیست و منافع، تعاسها و سود های کارفرمایان خصوصی و دستگا ده ولتی به انداز چارچوب کمپلکس نظامی - صنعتی ایالات متحده آمیختگی نزدیک ندارند.

آیا انحصارات شاخه های غیر نظامی صنعت می توانند از دریافت فقط بخش ناچیزی از زوجه عظیم بودجه کنسرسیوم های نظامی از آن سود می برند به خود ببالنند؟ هنگامیکه در ۱۹۶۱ از پزید نت آیزنهاور به مردم آمریکا گوشزد می کرد که " زنفوذ ناموجه عمدی یا غیر عمدی کمپلکس نظامی - صنعتی برهیزند، بودجه نظامی ایالات متحده ۴۰ میلیارد دلار بود. در سال ۱۹۸۰، سهم بودجه پنتاگون به ۱۴/۲ میلیارد دلار یعنی به بیش از سه برابر افزایش یافت.

کمپلکس نظامی - صنعتی علاوه بر برخورداری از بودجه های مستقیم، میلیاردها دلار از کاناال های دیگر دریافت می کند. بسیاری از طرح های نظامی فضایی از بودجه ناسا تأمین می شوند. اما به نوترونی در موسسات وابسته به وزارت نیرو شکل گرفته است. برای این اساس تخمین مجموع مبالغی که صرف کمپلکس نظامی - صنعتی می شود بسیار دشوار است. کارشناسان آمریکایی ارقام مختلفی ذکر می کنند: این ارقام از نیم تا دو سوم بودجه فدرال در نوسان است. طبق آمار رسمی، سهم هزینه های نظامی در محصول ناخالص ملی ایالات متحده در سالهای اخیر کاهش یافته و از ۷-۵٪ تجا وز می کند. تحلیلگران در اصلاح آمریکایی که برای محاسبه هزینه های نظامی تنها به بودجه پنتاگون اکتفا نمی کنند، سهم بودجه نظامی را ۱۰٪ تولید ناخالص ملی می دانند. البته این رقم صحیح تر است.

قریب ۸۵٪ سفارشات پنتاگون به صنایع فضایی، الکترونیک، صنایع هسته ای و کشتی سازی اختصاص دارد. در ۱۹۷۲ شرکت مکد ونل د اگلاس تولید کننده عمده پنتاگون ۲/۵ میلیارد دلار، لاکهید آرکرافت ۱/۷ میلیارد دلار و ریسفا ریش دریافت کرده اند. کمپانی های چون نور تروپ، هاگرا رکرافت، یوتینگ جنرال الکتریک، گرومن آرکرافت انجرتیک راک ول اینترنشنال و جنرال دینا میک هرکیش از یک میلیارد دلار سفارش دریافت کرده اند. موسسات متعلق به این شرکت ها موشک های هسته ای قاره پیمای "سه گانه" پنتاگون: موشک - های بالستیک قاره ای مستقر در "مینت من"، موشک های بالستیک مستقر در زیر دریایی اتمی ("تریپل نت") و بمب افکن های استراتژیک ("ب ۵۲") را می سازند. سود های سازندگان سلاح ها ۲۰ تا ۳۰٪ بیشتر از سود های کمپانی های تولید کننده کالاهای غیر نظامی است. گاه ها گفته می شود که این سود ها آنقدر رسوا کنند ما ست که حتی برای کمپلکس نظامی زیاد به نظر می رسد.

پول آفریننده قدرتمند است. مدتهاست که این مسأله برای دنیا سرمایه داری بصورت یک قاعده درآمد است. قدرت مالی کمپلکس نظامی - صنعتی موجب افزایش قدرت و نفوذ وی در دولت آمریکا شده است. در سالها

اداری آیزنهاور و رییس از ۱۶۰۰۰ افسر که ۲۰۰ نفرشان ژنرال و دریا سالار بود ند و نیز بیش از ۳۰۰۰ سرتیگ در روز ارتخانه های مختلف و شننگن در ریست های سیاسی مشغول فعالیت بودند که تعداد شان خیلی بیشتر از سیاستمداران حرفه ای بود. در مورد سنا تاران کنونی ایالات متحده اما رشا بهی در دست نیست، اما به نظر می رسد که سنا تاران در گاناال قدرتش و شننگن چند ان ریاست نیستند. این مسأله برای کمپلکس نظامی - صنعتی بی اهمیت است. هر چند در سنا تاران اداری جیمی کارتر نظامیان شاغل بست های غیر نظامی دستگا ده ولت همواره رفرونی می یابند. مسأله مهم این است که در ایالات متحده آمریکا مکانسیم بسیار رفوثری وجود دارد که از هدف های کمپلکس نظامی - صنعتی دفاع و جانبداری کرده و آنها را به مرحله عمل در می آورد.

بنظر می رسد که اعضای کنگره آمریکا در میان مدافعان منافع کمپلکس نظامی - صنعتی از همصمیمی ترند. ملوین لرد وزیر دفاع پیشین ایالات متحده در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت که کنگره از هر تقاضای مهم نمایندگان صنایع جنگی کاملاً پشتیبانی می کند. در رشورای امنیت ملی، این ارگان عالی سیاسی - نظامی در ریشگا ریه است جمهوری آخرین حرف با رهبران محافظل نظامی است. هر چند در پارلمان دولتی از کاهش نقش خود در رسیاست خارجی هشدار می دهد، به عکس پنتاگون از افزایش مداوم نقش خود در رسیاست بین المللی که بوسیله سازمان داری تبعیت میشود، شادمان است. بدیهی است که کمپلکس نظامی - صنعتی اهرم های رفوثری در دست دارد که به وی امکان میدهد، دولت را تحت تأثیر قرار دهد و راهیت تصمیمات کاخ سفید، کنگره و سنا تارانها را دولتی نتهنهاد. مسائل مربوط به سلاحها بلکه در وسیع ترین جنبه های استراتژی نظامی و سیاست خارجی ایالات متحده اثر بگذارد.

بقیه داستان پتو

شروع کرد به گریه کردن و شیون فلزی اش هر لحظه بلند تر و بلند تر شد. . . .

وقتی که شیون بچه ها وح خود رسید، ناگهان قطع شد، صدای آژیر هم خاموش شد و چوکر چشمهاش را با زکرد همه هه هه هه بیرون هرم آفتاب را می شکست و چوکر چندان سفید را دید و لحظه ای بعد ما موران آمبولانس در حیاط خلوت بودند. سرش در شدیدی داشت و زخمهاش ملتهب بودند. صورتش مثل پارچه ای که بشویند و بعد بچلانند، غرق در عرق بود.

دستهای بد نش را گشتند یکی از پرستار پرسید: "دردی احساس می کنی؟ چوکر که ابروهاش را در هم کشید، به چهره ای که سفید و صورتی بود نگاه کرد و گفت: نه آقا. روزنامه های کهنه ای که رویشان دراز کشیده بود، از خون اشباع شده بودند یکی از پرستار گفت: زخم چاقو، دیگری گفت: بیرون ریاست خونریزی انداره، "چند تا باند بزارویش". او میان زمین و آسمان بود و جمعیت پهلو پهلو حرکت میکرد پشتش روی یک عشمای خنک قرار داشت. بعد برانکار با سروصدای توی آمبولانس رفت، درها محکم به هم خوردند و تماشاگران از نظرها پنهان ماندند. آژیر شیون کرد و وح گرفت تا از میان انبوه جمعیت راهی باز کند. آمبولانس که سرعت گرفت، چوکر لرزش آن را درید نش احساس کرد بعد انگشتان مرگبار لبه ها تا خورد و رواند از نش را لمس کرد ند ملحفه به سفیدی برف بود و پتو ضخیم و گرم و توبون چوکر بی حرکت ماند و به آژیر گوش سپرد.

بقیه: در آستانه تشکیل ...

با آن که امید و اطمینان به انقلاب و کارگردانان آن در این سال و نیم در ریختن از مردم درجا ریزش شده است، دولت آقای رجائی، به عنوان یک نیروی تازه نفس، از زمینه روحی مساعدی برخوردار است. همه نیروهای ضد انقلابی وظیفه خود می دانند که زاین نخستین دولت در تثبیت نهاد های قانونی پس از انقلاب جانبداری کنند و در تسهیل کار آن بکوشند. در مقابل، بر عهد آقای رجائی دولت ایشان است که از سر خلاص خود را کارگزار مردم و مامندان انقلاب بداند، اصول قانون اساسی را صادقانه و بدون تبعیض در عمل بگذارد، همگان را در رزندگی خصوصی و اجتماعی و سیاسی شان بهمیکسان از آزادیهای قانونی و امنیت برخوردار کند، و از تجاویز و حريم آزادیها از هر ناحیه - ای که صورت گیرد به شدت جلوگیری کند. به این شرط است که پیوند دولت با توده های مردم برقرار خواهد ماند و قدرت دولت، به نام مردم و به نیروی مردم، در اقصی نقاط ایران گسترش و نفوذ خواهد یافت. بیهوده نیست که در حکم نخست وزیر آقای رجائی، ضمن تأکید بر استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور، بر لزوم رعایت نص و مفاد قانون اساسی، استقرار امنیت و تأمین حقوق و آزادیهای افراد ملت توصیه بلیغ به عمل آمده است و دستهای به وحدت و تفاهم بین نیروهای متعهد نسبت به انقلاب اسلامی ایران نیز شرط ضروری کار اعلام شده است.

بی شک هیچکس، و بویژه خود آقای رجائی، از دشواری این وظایف سنگین در شرایط بسیار پیچیده کنونی در سطح ملی و بین المللی غافل نیست. ازین رو باید از همکاران همه نیروهای که در داخل و خارج مرزهای ایران می توانند یا رومد در کارهای بزرگ باشند بهره جست. باید مراقب بود که با راه های تعصبات مسلکی، یا دلبستگی به برخی اوهام و پیشداوریها، امنیت و استقلال کشور در ستاورد های انقلاب ما را به مخاطره افکند. در این باره آقای رجائی را در تشکیل دولت مرکب از مردم انبصر و کارآمد انقلابی آرزو مندیم.

مائوئیسم ...

کردند. سواى این، وان هنگد ون وچانگ چون - چياس، در اواخر ۱۹۷۴ او وایسل ۱۹۷۵، با قدامت پنهانی برای تشکیل دولت عمداً درت وزیدند، آنها حتی فهرست نخست وزیر، وزرا و سفرا و غیره را تهیه کردند. اما این کوششها در نتیجه اقدامات چوئن لاک شکست خورد.

پس از مرگ مائوئیسم ون (۱۹۷۶) و به قدرت رسیدن هوا کوفنگ، "باند چهار زنفری" توطئه های علیه هوا کوفنگ برای تصاحب قدرت در حزب و دولت سازمان دادند. آنها در نیمه دوم سپتامبر ۱۹۷۶، مسلح کردن پنهانی با اصطلاح د وطلبین خلقی را در شانگهای آغاز کردند. در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۶، چانگ چون - چیا ئویک ویژه های به شانگهای فرستاد تا دستور شفا های سازماندهی توطئه مسلحانه را به هواداران خود برساند (۲).

علیرغم این واقعیت که پس از دستگیری "باند چهار زنفری" رهبری "چپ روها" شکست خورد، و تصفیه هواداران آنها در چین آغاز شد، مبارزه میان این دو گروه بندی مائوئیستی در ایالات چین ادامه پیدا کرد. هواداران "باند چهار زنفری" مخفی شدند. برخورد های مسلحانه میان این دو گروه بندی مائوئیستی در نقاط مختلفی از کشور گزارش شده است.

بنا به گزارشات درج شده در مطبوعات تاییه ۴ پایتخت تایوان، مخالفان هوا کوفنگ در این اواخر بسیار فعال شده اند. رهبران

یکند رکوشش برای قلع و قمع مخالفان به شیوه کشتار جمعی متوسل شده اند. برای مثال، در ایالت سیان زنی هوا کوفنگ را متهم کرد و آنده ۷۰۰ نفر از ۲ میلیون اعضا حزب در این ایالت را بقتل رساند. ما ست مخالفین هوا کو - فننگد را ایالت یاد شد تمام اعضا حزب را به وحدت و کنار گذاشتن "خروش چف جدید" فراخواند. هواداران "باند چهار زنفری" فراکسیون علیه هوا کوفنگ تشکیل دادند. بنا به گزارش هفته نامه "چین آزاد"، چن جن - فن، فرمانده سابق ناحیه نظامی تزیاسی آشکارا به وجود نقشه های برای تضعیف مرکز و تحکیم رهبری محلی اشاره کرد. ما ست و بنبله گزارش وی گو - چین، کمیسر سیاسی سابق ناحیه نظامی کانتون، پیش از برگزاری کنفرانس امنیت تمام ایالات، روزانه به طور متوسط ۴ واقعه ضد انقلابی در ایالات گواندوم، گزارش می شد. ما ست بیشتر این رویدادها سمت گیری ضد هوا کوفنگ داشته اند.

بنا به گزارشهای واصله از چین، در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۷، در دادگاه خلق در کانتون ۲۸ نفر با اصطلاح ضد انقلابی را که متهم به دادن شعاری علیه هوا و ترویج عقاید ضد مائوئیستی بودند، به مجازاتهای مختلف، از اعدام تا دوره های متفاوت زندان، محکوم کردند. در ژوئیه ۱۹۷۷، سازمان های متعدد برای مبارزه با هوا کوفنگ از طریق خرابکاری و قتل هواداران و نزدیکان او، در شانگهای شکل گرفتند (۳).

سرشت اختلافات در رهبری مائوئیستی چیست؟

تضاد میان دو گروه بندی مائوئیستی خصلت غیر انتاگونیستی (آشتی پذیر) دارند زیرا این دو گروه بندی در مورد مسائل عمده کاملاً با یکدیگر هم آوازه و اختلافات میان آن - ها در مقایسه با اصول اساسی و عهد و پیمان - های مائوئیستی، به مسایل کوچک و فرعی مربوط می شود. وجه مشخصه این تضاد - ها این است که آنها در جریان یک مبارزه طولانی برای کسب قدرت میان دو گروه بندی در رهبری مائوئیستی شکل گرفته اند و تشدید شده اند.

اختلاف اساسی میان این دو گروه بندی مائوئیستی بر سر چه مسائلی است؟

"چپ روها"، به رهبری چیا ننگ چینگ، مبارزه طبقاتی را به مثابه عنصر عمد در تکامل اجتماعی معاصر جمهوری خلق چین مطلق می کنند، و از تمام کسانی که برای رشد نیروهای مولد ما ولویت قایل هستند، به عنوان "اکونومیست" و "روزیونیست" انتقاد میکنند. گروه "پراگماتیستها" به رهبری چوئن لاک، تکامل مبارزه طبقاتی و ادامه انقلاب در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا را به مثابه عامل تعیین کننده می پذیرند، اما آنرا مانعی در راه ولویت قایل شدن برای رشد نیروهای مولد نمی دانند و این سیاستی است که آنها در عمل پیاپی نکرده اند. در حالیکه معتقدند "چپ روها" نیز به همان مادیه پیدایش عناصر سرمایه دار و بورژوازی می انجامد، و از این رو آنها خود را مخالف این "حق بورژوازی" می خوانند، پراگماتیست - ها، بدون اینکه مطلقاً با این نظر مخالفت کنند، در عمل انگیزه های مادیه را برای پیشرفت اقتصاد چین تشویق می کنند.

در حالیکه "چپ روها" از اصل مائوئیستی ۳ تکانه بخود دفاع می کنند و مخالف خرید های کلان از سایر کشورها هستند، گروه پراگماتیست ها تمام کوشش خود را برای مبارزه در هر چه گسترده تر با غرب بکار می برند. اختلافات میان این دو گروه بندی همچنین در برخورد متفاوت آنها به روشنفکران و نقش آنها رخ می نماید.

وجه مشخصه مبارزه داخلی میان گروه بندی های مختلف در رهبری مائوئیستی این است که این مبارزه به شکل پوشیدنی و پنهانی انجام می گیرد. هر یک از گروهها، در مبارزه قدرت، گروه دیگری را به کوشش برای تصاحب قدرت و احیای سرمایه داری متهم می کند.

تنها نتیجه ای که می توان گرفت اینست که هیچیک از این گروه بندی های داخلی مائوئیستی رهبری مائوئیستی بی نگرمانه زحمتکشان و مردم جمهوری خلق چین نمی باشند. مبارزه در رهبری مائوئیستی نمایانگر انحطاط مائوئیسم در چین می باشد. این مبارزه نشان دهنده تعمیق بحران مائوئیسم است.

اختلافات در رهبری مائوئیستی در روند تکامل و تشدید خود، شکل ستیزه به خود می گیرد. و با تصفیه نمایندگان این یا آن گروه - بندی رقیب هم می شود. اما، این تصور نادرست است که رژیم مائوئیستی به طور خود بخود در نتیجه تشدید بیشتر این تضادها نابود می شود. تا نبود این رژیم تنها در نتیجه مبارزه سازمان یافته زحمتکشان و مردم جمهوری خلق چین علیه خصلت ضد مائوئیستی این دو - لوزی و موشی رهبران پکن حاصل می شود.

۴ ادامه دارد.

یادداشتها:

۱ - تحلیل اخبار چین، ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۷

۲ - بولتن اطلاعاتی بنگام هسین هوا، ۱۷ مه ۱۹۷۷

۳ - هفته نامه چین آزاد، شماره ۴۰، ۱۹ اکتبر ۱۹۷۷، صفحه ۳

بقیه: در هفته گذشته

برضد جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور، اوج نفاق افکنی در میان نیروهای راستین انقلاب که در حقیقت رکن اساسی صف فشرده مقام و در برابر توطئه های امپریالیسم و ارتجاع داخلی اند، تبلیغات و هجوم گسترده به اتحاد شوروی وارد و گاه سوسپالیسم که یگانه سد سدید برای جلوگیری از ضد ورضد انقلاب امپریالیسم به کشورها تازه رهایی یافته در سراسر جهان است، تحریک دیوانه وار مردم به تعقیب و آزار چپ انقلابی و برانگیختن جنگ حید ریونعمتی در میان آنان طیف وسیعی از توطئه مشترک امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی: سرمایه داران و زمینداران بزرگ وابسته فئودالها، لیبرالها و ...

برضد جمهوری اسلامی و انقلاب خلقی ایران ایالات متحد آمریکا با پیروزی انقلاب در ایران نواز دست دادن یکی از مهمترین مهره های خود در خلیج فارس مواضع در برین غارتگرانه خود را در سراسر منطقه خاور نزدیک و میانه به شدت در خطر مینماید و از این رو از همان فرد ای پیروزی انقلاب ایران خواب و راحت بر فرما نروایان کاخ سفید و پنتاگون حرام شد ما ست: زمامداران آمریکا ابتدا انتظار میکشیدند لیبرالها مشکل گشایشان در این امر خطیر گردند. البته با وجود افراد ای چون امیران نظامی، مهدیون ها و علوی ها در ریست های حساس سیاسی و نظامی و دولت موقت انتظار بی جایی نبود، اما با تصرف جاسوسخانه آمریکا توسط دانشجویان مسلمان بیروخط امام فروپاشی خزنده انقلاب ایران و تبدیل آن به سرنوشته یونان، اسپانیا و پرتغال جای پیش را به ضربات ناگهانی داد ما ست.

توطئه عظیم طمس و کودتای نافرمان ۱۸ تیرا زوار در ارتزبندیل راههای مسالمت آمیز و هم کوبیدن انقلاب به راههای

خشونت آمیز است. سرکوب انقلاب ایران که جز لاینفک سیاست استراتژیک کاترلها، کنسرنها و کمپلکس نظامی - صنعتی امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا است با تاکتیک انتخاباتی کارتر همزمان شده است.

هریک از سیه مهره های امپریالیسم آمریکا برای کسب افتخار در سرکوب انقلاب ایران و تمتع از مزایای آن ابتکار رجحمنی شان را به کار گرفته اند.

اکنون آمریکا با به گردن آوردن زرادخانه عظیم جنگی خود در حمله مسلحانه به ایران است. روزگله به نوشته مطبوعات آمریکا واسطه ما که تکرار تعیین شده است. قرار است این عملیات مانند حمله طیس جنبه محدود و نداشتها شد. این حمله باید همزمان به وسیله همه نیروهای مسلح ویژه آمریکا در منطقه و مزدوران متمرکز در عراق و مصر صورت می گیرد. دستور تدارک این حمله بلافاصله پس از شکست عملیات خرابکارانه طیس از سوی پریزدنت کارتر صادر شد. بره سببها از ما هژوئن در ایالات نواد ای آمریکا که به موقعیت جغرافیایی ایران شباهت دارد، مشغول آموزش و تمرین اند. پایگاه های اسرائیل، مصر، عمان، سومالی و کنیا به عنوان عقبگاه ما ساسی نیروی مسلح آمریکا انتخاب شده است. مثلث ضیا الحق و ملک خالد و صد ام حسین مرکز د پگرتوطئه بر ضد انقلاب ایران است. پاکستان وعده داده است که یک سپاه ههزار زنفری را اختیار فرماد هی آمریکا بگذارد.

همانطور که شامشده پریزدنت کارتر از برنامه استراتژیک امپریالیسم آمریکا در سرکوب انقلاب ایران به عنوان یک تاکتیک انتخابی به نفع خود استفاده کرده می - خواهد با حمله به ایران پیش از انجام انتخاباتی "حیثیت" خود را در کارزار انتخاباتی بالا ببرد. بدیهی است که شکست در این حمله برای شخص کارتر به معنای ناگامی قطعی

در انتخابات است. به همین علت با جنون ویژه درندگان امپریالیسم وارد کارزار شده است.

اماد راین سو، ملتی بزرگ با عزمی راسخ ایستاد ما ست که جبارترین رژیمهای جهان و وابسته به امپریالیسم آمریکا را از پیش پا برداشته و رسوای بیارینه نهضت های رهایی بخش در مبارزه با امپریالیسم خونخوار جهانی است. این آرمان مردم مظهرمان ایران که در شعاری رهبر انقلاب شکل خود ویژه - ای یافته، مستلزم بسیج هر چه بیشتر و آگاهانه تر است. این تمایل خود بخود معجز آفرین نیست، بلکه باید در مجرای صحیح به جوشش و غلظت درآید.

اکنون دست های در کار است که دانسته و دانسته شور و هیجان مردم را به مسخره گرفته آنرا در رهبر اخرج می کند و می خواهد با برانگیختن جنگ حید ریونعمتی در میان نیروهای راستین انقلاب، برادران هم رزم، همسنگرو هم زندان مردم را در نزد و پراکنند سازد.

به همین علت دولت دایمی انقلابی که در این روزها وارد فعالیت عملی می شود از هم اکنون باید با روشن کردن دقیق کارهای که می خواهد به نفع مردم انقلاب انجام دهد، در ریسج آنها و برانگیختن اعتقاد و ایمان هر چه بیشترشان بکوشد و نگذارد، فتنه انگیزی نفاق افکنانه مردم را پراکند سازد و به ضد انقلاب امکان ندهد که انقلاب مردم را بی در زنگار و بی روزنه امید جلوه دهند.

برنامه روشن دولت به گفته رئیس جمهور بر اساس اصول قانون اساسی و حفظ حقوق فردی می تواند آن بخش از نیروهای راکه به وسوسه ضد انقلاب با نظر تردید به وضاع و احوال می نگرند، به خود جلب کند و خون تازه ای در ریسج مردم متحرک عزمواراد ه شان بدواند.

